

**اعمال و سخنانی که به  
خواست الله تعالی  
ما را داخل بهشت می کند.**

مؤلف: ریاض عبدالمحسن المحیسن

مترجم: پدرام اندایش

## مقدمه مترجم:

به نام الله، به یاد الله و برای الله.  
شکر و ستایش برای الله پروردگار  
جهانیان است، او را حمد گفته و از او  
کم  
می‌گیریم و بر او توکل می‌کنیم و از او  
طلب آموزش و هدایت می‌نماییم،  
کسی که الله تعالی او را هدایت کند،

گمراه کننده‌ای ندارد و کسی را که  
گمراه سازد، هدایت کننده‌ای ندارد.  
گواهی می‌دهم که معبود و پرستش  
شونده‌ی برحقى جز الله وجود ندارد و  
گواهی می‌دهم که محمد - شمشیر در  
جهاد و دلسوز در دعوت - بنده و  
فرستاده‌ی وی می‌باشد. اما بعد:

این کتاب، احادیث جمع آوری شده -  
ای است که عمل به هر کدام از آنها

باعث داخل شدن به بهشت می شود، البته باید سه نکته را در نظر داشت: اول این که در صورتی لین اعمال و سخنان باعث داخل شدن به بهشت می شود که از طرف الله تعالی پذیرفته شود، دوم این که شخص به همراه این اعمال، عملی را انجام ندهد که باعث باطل شدن اسلامش شود، مانند: شرک یا رباخواری یا کشتن شخصی

به ناحق یا ... . سوم این که نبلید  
گفت: «چون ما این اعمال را انجام  
می‌دهیم، پس جای ما بهشت است و  
در نتیجه هر چقدر بخواهیم می‌توانیم  
گناه کنیم»، این عملکرد هرگز صحیح  
نمی‌باشد، زیرا اگر امروز به عمد  
مرتکب گناه شویم، شاید فردا مرتکب  
کفر شویم و زندگی ما با کفر ورزیدن  
به الله تعالی پایان یابد که نتیجه‌ی آن

چیزی جز آتش جهنم نخواهد بود.

## مقدمه‌ی مؤلف:

شکر و ستایش برای الله  
پروردگار جهانیان است، کسی که ما  
را مسلمان قرار داد و به راه مستقیمی  
که کتاب الله تعالی و سنت پیامبر ما  
محمد ﷺ آن را روشن نموده است،  
هدایت فرمود.

شکر و ستایش برای الله است،

کسی که ما را بهترین امت برای مردم  
قرار داد و پیامبر این امت، محمد ﷺ را  
برترین رسولان و پیامبران قرار داد  
علیه أفضل الصلاة و أتم التسليم إلى  
يوم الدين.

اما بعد:

این مجموعه‌ای از احادیث  
صحیح است که کسی که آنها را انجام  
دهد و نیتش خالص برای الله سبحانه

و تعالی باشد، سبب می شود تا بعد از  
خواست الله جل جلاله داخل بهشت  
شود و این سخنان بر دهان برگزیده‌ی  
مخلوقات، پیامبر ما محمد ﷺ جاری  
شده است.

این اعمال و سخنان به شرح

ذیل می باشند:

اعمال و سخنانی که به خواست الله

تعالی ما را داخل بهشت می کنند:

\* تلاوت قرآن و عمل به آن:

احادیثی که درباره‌ی فضیلت

تلاوت قرآن و عمل به آن هستند:

از عبد الله بن عمرو رضی الله

عنهما آمده است که پیامبر ﷺ فرمود:

«يقال لصاحب القرآن: اقرأ وارتق

ورتل كما كنت ترتل في الدنيا، فإن

منزلتك عند آخر آية تقرأ بها» ([در

روز قیامت] به همنشین قرآن گفته

می‌شود: بخوان و بالا برو و آن را با ترتیل بخوان همان گونه که در دنیا آن را با ترتیل می‌خواندی و منزل تو [در بهشت] به [اندازه‌ی تعداد آیاتی است که تا] آخرین آیه بخوانی) [ترمذی<sup>(۱)</sup> و این لفظ اوست و گفته است: حسن

---

(1) جامع الترمذی: (5/163) (ح 2914)،

وقال الألبانی حسن صحیح.

صحيح، أبو داود<sup>(١)</sup> و أحمد<sup>(٢)</sup>].

مبارک فوری گفته است: «يقال»  
(گفته می شود) به هنگام داخل شدن  
به بهشت است ، «لصاحب القرآن» (به  
همنشین قرآن) به معنای کسی است  
که آن را تلاوت کرده است و به آن

---

(1) سنن أبي داود: (2/153) (ح 1464).

(2) مسند أحمد: (2/192).

عمل نموده است، «وارق» (و بالا برو!) به معنای آن است که درجات بهشت خودت را بالا ببر<sup>(۱)</sup>.

عایشه رضی الله عنها گفته است که رسول الله ﷺ فرمود: «الذی یقرأ القرآن وهو ماهر به مع السفرة الكرام البررة، والذی یقرأ القرآن ویستمتع فیہ

---

(1) تحفة الأحوذی: (232/8).

وهو عليه شاق له أجران» (کسی که  
قرآن می‌خواند و او در آن ماهر است،  
او همراه سفره‌الکرام خواهد بود و  
کسی که قرآن می‌خواند و در آن  
توقف می‌کند و آن برایش سخت  
است، دو اجر می‌برد) [متفق علیه<sup>(۱)</sup>، و

---

(1) صحیح البخاری: (291/8) (ح 4937)

صحیح مسلم: (550/1) (ح 798).

این لفظ مسلم است].

لفظ بخاری (بخارایی) به مانند  
آن است و در بجای «ماهر به» آمده  
است: «وهو حافظ له» (و او حافظ  
آن است).

ابوهریره رضی الله عنه آورده است که  
پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «يجئ صاحب القرآن  
يوم القيامة، فيقول: يا رب حله، فيلبس  
تاج الكرامة، ثم يقول: يا رب زده،

فيلبس حله الكرامه، ثم يقول يا رب  
ارض عنه فيقال اقرأ وارق، ويزاد بكل  
آيه حسنه» (همنشين قرآن روز قيامت  
مي آيد و مي گويد د: اي پروردگار! آن  
را شيرين کن! و تاج بزرگواري بر وي  
پوشانده مي شود، سپس مي گويد د: اي  
پروردگار بر آن بيافزا! در نتيجه اي آن  
حليه بزرگواري پوشانده مي شود،  
سپس مي گويد د: اي پروردگار! از آن

راضی شو! گفته می‌شود: بخوان و بالا  
برو! و به ازای هر آیه حسنه‌ای [برای  
تو] افزوده می‌شود). [ترمذی و گفته  
است: هذا حدیث حسن صحیح<sup>(۱)</sup>].

مبارک فوری گفته است: به لاین

---

(1) جامع الترمذی: (5/163) (ح 2915)

تحفة الأحوذی: (10/227، 228)

وحسنه الألبانی فی صحیح الترمذی:

(8/3).

معناست که به همنش بین قرآن گفته  
می‌شود: بخوان و درجات خودت را  
در بهشت بالا ببر<sup>(۱)</sup>.

جابر رضی الله عنه گفته است که پی‌امبر صلی الله علیه و آله

فرمود: «القرآن مشفع، وما حل  
مصدق، من جعله أمامه قاده إلى  
الجنة، ومن جعله خلف ظهره ساقه

---

(1) تحفة الأحوذی: (228/10).

إلى النار» (قرآن شفاعتش قبول می -  
شود و چیزی را که حلال کرده است،  
تصدیق می شود، کسی که آن را امام  
خود قرار دهد او را به بهشت رهنمود  
می کند و کسی که آن را پشت گوش  
بیاندازد او را به آتش جهنم روانه  
می کند) [ابن حبان در صحیحش<sup>(۱)</sup>،

---

(1) الإحسان: (1/167 - ح 124).

آلبانی گفته است: صحیح<sup>(۱)</sup>].

ابن اثیر گفته است: به معنای  
دفاع شده و مورد بحث قرار گرفته و  
تصدیق شده است، یعنی کسی که از  
آن تبعیت کند و به آن عمل نماید، آن  
برای او شفاعت کننده‌ای است که

---

(1) صحیح الجامع: (ح 443) و لفظه فیه

«شافع مشفع».

شفاعتش قبول می‌شود، ولی اگر  
شخص عمل نمودن به آن را ترک  
کند، دچار زشتی و قباحت می‌شود<sup>(۱)</sup>.  
\* فضیلت‌های بعضی آیات و

سوره‌ها:

فضیلت‌هایی برای بعضی از  
آیات یا سوره‌ها وجود دارد که قرائت

---

(1) النهایة، مادة «محل».

آنها سبب داخل شدن به بهشت می -  
شود یا آن که کسی که آن را بخواند،  
قصری در بهشت برای وی بنا می -  
شود.

### آیه الكرسي:

ابو امامه رضی الله عنه گفته است که رسول  
الله صلی الله علیه و آله فرمود: «من قرأ آیه الكرسي في  
دبر كل صلاة مكتوبة لم يمنعه من  
دخول الجنة إلا أن يموت» (کسی که

آیه الكرسی را بعد از هر نماز واجب  
بخواند، چیزی مانع ورودش به بهشت  
نمی‌گردد، مگر مرگ) [به این معنا که  
دقیقا بعد از مرگش وارد بهشت می‌شود] -  
شود]. [نسائی در عمل الیوم واللیلة<sup>(۱)</sup>،  
و ابن حبان و ابن عبد الهادی و ابن  
حجر و دیگران آن را صحیح دانسته -

---

(1) عمل الیوم واللیلة ص (182) (ح 100).

اند<sup>(۱)</sup>].

سوره‌ی المُلک:

انس رضی الله عنه گفته است که رسول

---

(1) المحرر لابن عبد الهادی: (209/1).

النکت علی کتاب ابن الصلاح لابن حجر

ص (849)، وصحح المنذری أحد

أسانیده، ونقل عن شیخه أبی الحسن أنه

قال: هو علی شرط البخاری، الترغیب

والترهیب: (261/2).

الله ﷺ فرمود: «سورة من القرآن، ما هي إلا ثلاثون آية، خاصمت عن صاحبها حتى أدخلته الجنة، وهي تبارك» (سوره‌ای از قرآن است و فقط سی آیه دارد و از همنشین خود دفاع می‌کند تا او را وارد بهشت کند و آن [سوره، سوره‌ی] «تبارک» (المُلک) است). [طبرانی در الأوسط، و ضیاء مقدسی و آلبنی آن را حسن دانسته

است<sup>(۱)</sup>].

ترمذی از ابوهریره رضی الله عنه آن را با  
لین لفظ آورده است: «سورة من  
القرآن ثلاثون آية شفعت لرجل حتى  
غفر له، وهي سورة تبارك الذي بيده  
الملك» (سوره‌ای از قرآن است که  
دارای سی آیه است و برای شخصی

---

(1) صحيح الجامع: (ح 3644).

[که آن را هر شب بخواند] شفاعت  
می‌کند تا آن که او آمرزیده شود و آن  
سوره‌ی «تبارک الذی بیده الملك»  
است)، گفته است: این حدیثی حسن  
است<sup>(۱)</sup>.

---

(1) جامع الترمذی: (151/5) (ح 2891).

سوره‌ی «قل هو الله أحد»:

ابوهریره رضی الله عنه گفته است: رسول

الله صلی الله علیه و آله شنید که مردی قرائت می‌کرد:

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ (بگو او الله [در

ذات و عبودیت و صفات] یکی است)

و فرمود: «وجبت» (واجب شد) گفتم:

چه چیزی واجب شد؟ فرمود:

«الجنة» (بهشت) [مالک<sup>(۱)</sup>، ترمذی<sup>(۲)</sup>]  
و گفته است: حدیثی حسن صحیح  
غریب است و آلبانی آن را صحیح  
دانسته است<sup>(۳)</sup>].

انس رضی الله عنه درباره‌ی مردی که برای

---

(1) الموطأ: (208/1) (ح 18).

(2) جامع الترمذی: (154/5 - ح 897)  
تحفة الأحوذی: (209/8) ..

(3) صحیح سنن الترمذی: (7/3).

انصار رضی اللہ عنہم در مسجد قبا امامت می‌کرد  
و در هر رکعت قرائت می‌نمود: ﴿قُلْ  
هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ گفته است که رسول  
الله صلی اللہ علیہ وسلم از او سوال نمود و فرمود: «ما  
يحملك أن تقرأ هذه السورة في كل  
ركعة؟» (چه چیز تو را بر آن داشته  
است که در هر رکعت این سوره را  
می‌خوانی؟) گفت: ای رسول الله! آن  
را دوست می‌دارم، فرمود: «إن حبها

أدخلك الجنة» (دوست داشتن آن تو را داخل بهشت می‌کند).  
[بخاری (بخارایی)<sup>(۱)</sup> تعلیق شده و مجزوم شده و ترمذی گفته است:  
حدیثی حسن غریب صحیح است<sup>(۲)</sup>،  
آلبانی گفته است: حسن صحیح هـ ی -

---

(1) صحیح البخاری: (255/2) (ح 774).

(2) جامع الترمذی: (156/5) (ح 2901).

باشد<sup>(۱)</sup>].

معاذ بن أنس رضی الله عنهما  
گفته است که پیامبر ﷺ فرمود: «من  
قرأ قل هو الله أحد حتى يخطمها عشر  
مرات بنى الله له قصرًا فى الجنة» ( )  
کسی که [سوره‌ی] «قل هو الله احد»  
را ده بار بخواند و آن را تمام کند، الله

---

(1) صحیح سنن الترمذی: (8/3).

[تعالی] برای او قصری در بهشت بنا  
می‌نهد). [أحمد<sup>(۱)</sup> و آل‌بانی آن را  
حسن دانسته است<sup>(۲)</sup>].

\* یاد و ذکر الله تعالی:

در فضیلت آن و آن که این امر

---

(1) مسند أحمد: (437/3).

(2) فی السلسله الصحیحه رقم (589).

وصححه فی صحیح الجامع: (ح 6472).

از سبب‌های داخل شدن به بهشت  
است، احادیث بسیاری آمده است.

آنچه در فضیلت تسبیح (سبحان  
الله گفتن)، تحمید (الحمد لله گفتن)،  
تهلیل (لا اله الا الله گفتن) و تکبیر (الله  
اکبر گفتن) آمده است:

ابن مسعود رضی الله عنه گفته است که  
رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «لَقِيت لَيْلَةَ اسْرِي  
بِي اِبْرَاهِيمَ، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، اقْرَأْ

أمتك مني السلام، وأخبرهم أن الجنة  
طيبة التربة، عذبة الماء، وأنها قيعان،  
وأن غراسها، سبحان الله، والحمد لله،  
ولا إله إلا الله والله أكبر» (شب اسراء  
ابراهيم [عليه السلام] را دیدم و گفتم: ای  
محمد! سلام مرا به امت برسان! و به  
آنها خبر بده که بهشت، خاکش پاک  
است و آبش گواراست و دارای پستی  
بلندی نمی‌باشد و نهالهای آن سبحان

الله، والحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر  
می باشند) [ترمذی<sup>(۱)</sup>، و گفته است:  
حدیثی حسن غریب است و آلبانی آن  
را حسن دانسته است<sup>(۲)</sup>].

جابر رضی الله عنه گفت است که رسول  
الله صلی الله علیه و آله فرمود: «من قال سبحان الله

---

(1) جامع الترمذی: (5/647) (ح 3462).

(2) صحیح سنن الترمذی: (3/160).

العظیم، و بحمدہ غرست له نخلة فی الجنة» (کسی که بگوید: «سبحان الله العظیم و بحمدہ» (الله بزرگ پاک و منزہ است و برای او شکر و ستایش است) نخلی در بهشت برای او کاشته می شود) [ترمذی<sup>(۱)</sup>، و گفته است:

---

(1) جامع الترمذی: (377/5) (ح 3464، 3465).

حدیثی حسن صحیح است. ابن حبان  
آن را صحیح دانسته است<sup>(۱)</sup>، ابن  
حجر آن را حسن دانسته است<sup>(۲)</sup> و  
آلبانی آن را صحیح دانسته است<sup>(۳)</sup>.

---

(1) موارد الظمان (ح 2335).

(2) نتائج الأفكار: (1/243) تحقیق الزمیل  
الشیخ عبد الله الدوسری، مطبوع علی  
الآلة الکاتبه.

(3) صحیح سنن الترمذی: (3/161).

ابوهریره رضی الله عنه گفته است که وقتی  
در حال کاشتن نهالی بود، رسول الله صلی الله علیه و آله  
از کنار وی گذشت و فرمود: «ما  
الذی تغرس؟» (چه چیزی می‌کاری؟)  
گفتم: برای خودن نهالی راهی‌کارم،  
فرمود: «ألا أدلک علی غراس خیر  
لک من هذا؟» (آیا تو را به نهالهایی  
راهنمایی کنم که برای تو بهتر از این  
[نهال] باشند). گفتم: بله، ای رسول

الله! فرمود: «قل سبحان الله والحمد لله  
ولا إله إلا الله والله أكبر، يغرس لك  
بكل واحدة شجرة في الجنة» (بگو:  
پاک و منزّه است الله و شكر و ستایش  
برای الله می باشد و هیچ پرستش  
شونده‌ی برحقى جز الله وجود ندارد و  
الله بزرگترین است، برای هر کدام از

آنها که بگویی، درختی برای تو در بهشت کاشته می‌شود) [ابن ماجه<sup>(۱)</sup>، بوصیری اسناد آن را حسن دانسته است<sup>(۲)</sup>، منذری<sup>(۳)</sup> و آل‌بانی گفته است: سند آن صحیح است<sup>(۴)</sup>].

---

(1) سنن ابن ماجه: (1251/2) (ح 3807).

(2) مصباح الزجاجة: (132/4).

(3) الترغیب والترهیب: (244/2).

(4) صحیح سنن ابن ماجه: (320/2).

\* فضیلت بعضی از اذکار:

احادیثی درباره‌ی بعضی از اذکار  
خاص آمده است که آنها را بیان می-  
دارم:

أ- تسبیح، تکبیر و تحمید بعد از  
هر نماز واجب و هنگام خواب:

ابوهریره رضی الله عنه گفته است: فقیه ران  
نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند:  
ثروتمندان با اموالشان [در حالی که

آن را صدقه می دهند] به درجات بالا  
و نعمتهای دائمی دست پیدا کرده اند،  
همان گونه که ما نماز می خوانیم آنها  
نیز نماز می خوانند و همان گونه که ما  
روزه می گیریم آنها نیز روزه می گیرند  
و برای آنها مالهایی وجود دارد که با  
آن به حج و عمره می روند و با آن  
جهاد می کنند و توسط آنها صدقه  
می دهند، [برای رقابت با آنها چه کار

کنیم؟] فرمود: «ألا أحدثكم بما إن  
أخذتم به أدركتم من سبقكم ولم  
يدرکم أحد بعدکم، وکنت خیر من  
أنتم بین ظهرانیهم إلا من عمل مثله؟  
تسبحون وتحمدون وتکبرون خلف  
کلا صلاة ثلاثاً وثلاثین» (آیا برای  
شما چیزی را بیان کنم که اگر آن را  
انجام دهید به کسانی می‌رسید که از  
شما سبقت گرفته‌اند و بعد از شما

کسی به شما نمی‌رسد و من از شما  
بین آنها بهتر می‌باشم، مگر کسی که به  
مانند آن را انجام دهد؟ بعد از هر  
نماز، سی و سه بار، تسبیح و تحمید و  
تکبیر بگویید)، ۱۰۰ بار خودمان دچار  
اختلاف شدیم، بعضی از ما گفتند: سی  
و سه بار تسبیح می‌گوییم و سی و سه  
بار تحمید می‌گوییم و سی و چهار بار  
تکبیر است، به نزد وی برگشتیم و

فرمود: «تقول: سبحان الله والحمد لله  
والله أكبر، حتى يكون منهن كلهن  
ثلاثاً وثلاثين» (سبحان الله و الحمد لله  
و الله اكبر را به شكلی بگویند كه هر  
كدام از آنها سی و سه بار شود) [متفق  
عليه<sup>(1)</sup>].

---

(1) صحيح البخاری، كتاب الأذان، باب الذكر  
بعد الصلاة: (325/2) (ح 8743)،

=

«أهل الذئور»: كسانی هستند كه

مال بسیاری دارند<sup>(۱)</sup>.

درباره‌ی سخنش: «الدرجات

العلی» ابن حجر گفته است: احتمال

=

---

صحیح مسلم، کتاب المساجد، باب

استحباب الذكر بعد الصلاة (416/1)

(ح 595).

(1) انظر النهاية مادة دثر: (100/2).

دارد که منظر حسّی باشد و آن درجات بهشت است، یا ممکن است معنوی باشد و آن بالا بودن منزلت نزد الله [تعالی] است<sup>(۱)</sup>.

عبد الله بن عمرو رضی الله عنهما گفته است که پیامبر ﷺ فرمود: «خصلتان، أو خلتان لا يحافظ عليهما

---

(1) فتح الباری: (327/2).

عبد مسلم إلا دخل الجنة، هما يسير  
من يعمل بهما قليل، يسبح في دبر كل  
صلاة عشرًا، ويحمد عشرًا، ويكبر  
عشرًا، فذلك خمسون ومائة باللسان،  
وألف وخمسمائة في الميزان ويكبر  
أربعًا وثلاثين إذا أخذ مضجعه، ويحمد  
ثلاثًا وثلاثين، ويسبح ثلاثًا وثلاثين،  
فذلك مائة باللسان، وألف في  
الميزان» (دو خصلت هستند كه بندهی

مسلمان از آنها محافظت نمی‌کند، مگر  
آن که داخل بهشت می‌شود و آن برای  
کسی که به آنها عمل کند آسان است.  
بعد از هر نماز ده بار تسبیح بگوید و  
ده بار تحمید بگوید و ده بار تکبیر  
بگوید و آن صد و پنجاه بار با زبان و  
هزار پانصد بار در ترازوی [اعمال]  
است و سی و چهار بار وقتی در  
رختخواب بود، تکبیر بگوید و سی و

سه بار تحمید بگوید و سی و سه بار  
تسبیح، آن صد بار با زبان و هزار بار  
در ترازوی [اعمال] است). دیدم که  
رسول الله ﷺ آنها را با دستش می-  
شمارد. گفتند: ای رسول الله! چگونه  
آنها آسان هستند و عمل به آن دو کم  
می‌باشد؟ فرمود: «يَأْتِي أَحَدَكُمْ يَعْني  
الشَّيْطَانُ فِي مَنَامِهِ فَيَنومُهُ قَبْلَ أَنْ  
يَقولَهُ، وَيَأْتِيهِ فِي صَلَاتِهِ فَيَذْكره

حاجته قبل أن يقوله» (در هنگام خواب نزد شما می‌آید - یعنی شیطان - و قبل از آن که شخص آن را بگوید، او را خواب می‌کند و در نماز به سراغ شخص می‌آید و قبل از آن که آن را بگوید، او را به یاد نیازش می‌اندازد) [أحمد<sup>(۱)</sup>، أبوداود<sup>(۱)</sup>،

---

(1) المسند: (205/2).

ترمذی<sup>(۲)</sup>، نسائی<sup>(۳)</sup>، ابن حبان در  
صحیحش<sup>(۴)</sup> و ترمذی گفته است:  
حسن صحیح است و ابن حجر اسناد

=

---

(1) سنن أبی داود: (309/5) (ح 5065).

(2) جامع الترمذی: (445/5) (ح 3410).

(3) سنن النسائی: (74/3).

(4) الإحسان: (357/3) (ح 2009).

آن را صحیح دانسته است<sup>(۱)</sup>].

ب- ذکر بعد از وضو (تلفظ

کردن شهادتین):

عقبه بن عامر رضی الله عنه گفته است که

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «ما منکم من أحد

یتوضأ فیبلغ أو فیسبغ الوضوء، ثم

---

(1) نتائج الأفكار: (478/2) ومطبوع علی

الآلة الكتابة بتحقیقی.

يقول أشهد أن لا إله إلا الله، وحده لا شريك له، وأن محمداً عبده ورسوله، إلا فتحت له أبواب الجنة الثمانية يدخل من أيها شاء» (کسی از شما نیست که وضویی بگی رد و آن را به انتها برساند یا کامل کند، سپس بگوید: گواهی می‌دهم که پرسش شونده‌ی برحق‌ی جز الله وجود ندارد، یکتا و بی‌شریک است و محمد بنده‌ی

او فرستاده‌ی او می‌باشد، مگر آن که  
هشت درب بهشت برای او باز می‌شود و از هر کدام بخواهد داخل  
می‌شود) [رواه مسلم<sup>(۱)</sup>].

ج- لا حول ولا قوة إلا بالله:

ابوموسی رضی الله عنه گفته است که رسول

الله صلی الله علیه و آله فرمود: «ألا أدلك على كنز من

---

(1) صحیح مسلم: (1/209) (ح 234).

کنوز الجنة؟» (آیا تو را به گنجی از  
گنجهای بهشت راهنمایی نکنم؟) گفتم:  
بله، ای رسول الله! فرمود: «قل: لا  
حول ولا قوة إلا بالله» (بگو: هیچ  
دگرگونی و قدرتی وجود ندارد، مگر  
از جانب الله) [متفق علیه<sup>(۱)</sup>].

---

(1) صحیح البخاری: (187/11)

(ح 6384) و (213/11) (ح 6409)

=

ابوذر رضی اللہ عنہ گفته است: عزیز ز من  
مرا به زیاد گفتن [این ذکر] سفارش  
فرمود: «لا حول ولا قوة إلا بالله،  
فإنها كنز من كنوز الجنة» (ه بیچ  
دگرگونی و قدرتی وجود ندارد مگر  
از جانب الله، آن گنجی از گنجهای

=

---

وصحیح مسلم: (4/2076) (ح2704).

بهشت است) [أحمد<sup>(۱)</sup>، ابن حبان در  
صحيحش<sup>(۲)</sup> و لين لفظ اوست و  
آلبانی سند آن را صحيح دانسته  
است<sup>(۳)</sup>].

\* درخواست نمودن بهشت از

---

(1) المسند: (159/5).

(2) موارد الظمان: (ح/2041).

(3) السلسلة الصحيحة: (2166).

الله تعالى:

أنس رضي الله عنه گفته است که رسول  
الله صلی الله علیه و آله فرمود: «من سأل الله الجنة  
ثلاث مرات. قالت الجنة: اللهم أدخله  
الجنة، ومن استجار من النار ثلاث  
مرات. قالت النار: اللهم أجره من  
النار» (کسی که سه بار بهشت را از  
الله [تعالی] درخواست کند، بهشت  
می گوید: یا الله! او را داخل بهشت

کن! و کسی که سه بار [از الله تعالی]  
از آتش جهنم پناه بخواهد، آتش  
جهنم می‌گوید: یا الله! او را از آتش  
جهنم حفظ کن!]. [ترمذی<sup>(۱)</sup>،  
نسائی<sup>(۲)</sup>، ابن ماجه<sup>(۳)</sup>، حاکم<sup>(۴)</sup>،

---

(1) جامع الترمذی: (603/4) (ح 2572).

(2) سنن النسائی: (279/8).

(3) سنن ابن ماجه: (1435/2).

(4) المستدرک: (435, 534/1).

وصححه ووافقه الذهبي. ذهبي در  
السیر گفته است: حدیث حسن<sup>(۱)</sup> و  
آبانی آن را صحیح دانسته است<sup>(۲)</sup>.

\* توبه:

الله تعالی می فرماید: ﴿إِنَّمَا مَنْ  
تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ

---

(1) سیر أعلام النبلاء: (252/8).

(2) صحیح الجامع الصغیر: (ح 6275).

يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَمَّا يُظْلَمُونَ شَيْئًا ﴿٦٠﴾

[مریم: 60] (مگر کسی کہ توبہ نہ ملید

و ایمان آورد و عمل صالح انجام

دهد، آنها داخل بهشت می شوند و

ذره ای به آنها ظلم نمی شود).

اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا

عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ

وَيَدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

الْأَنْهَارُ ﴿الطلاق: 8﴾ (ای کسانی که  
ایمان آورده‌اید! نزد الله [تعالی] توبه‌ی  
نصوحی به جای آورید، باشد که  
پروردگار شما، بدی‌های شما را از  
شما پاک کند و شما را داخل  
بهشتهایی نماید که از زیر آنها نهرها  
جاری است).

\* سید الاستغفار:

شداد بن أوس رضی الله عنه گفته است که

پیامبر ﷺ فرمود: «سید الاستغفار أن  
 يقول: «اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ  
 خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَنَا عَلَىٰ عَهْدِكَ  
 وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ أَعُوذُ بِكَ مِنْ  
 شَرِّ مَا صَنَعْتُ أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ  
 وَأَبُوءُ لَكَ بِذُنُوبِي فَاعْفُرْ لِي فَإِنَّهُ لَا  
 يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ»، من قالها من  
 النهار موقناً بها فمات من يومه قبل  
 أن يمسي فهو من أهل الجنة، ومن

قالها من الليل وهو موقن بها فمات  
من قبل أن يصبح فهو من أهل الجنة»  
(سرور استغفار این است که [شخص]  
بگوید: (یا الله! تو پروردگار من  
هستی، هیچ معبود و پرستش شونده‌ی  
برحقی جز تو وجود ندارد، تو مرا  
خلق نمودی و من بنده‌ی تو هستم و  
من تا آنجا که بتوانم بر عهد و پیمان  
تو می‌باشم، به تو پناه می‌برم از شرّ

آنچه انجام دادم، به نعمت تو بر خودم  
نزد تو اقرار می‌کنم و به گناهم نزد تو  
اقرار می‌کنم، مرا بیامرز! که هیچ کس  
گناهان را نمی‌آمرزد، مگر تو) کسی  
که آن را در روز از روی یقین بگوید  
و در آن روز قبل از آن که شام کند،  
بمیرد، او از اهل بهشت است و کسی  
که آن را شب بگوید در حالی که به  
آن یقین داشته باشد و قبل از آن که

صبح کند، بمیرد، او از اهل بهشت  
است) [بخاری (بخارایی)<sup>(۱)</sup>].

سخنش: «أبوء» به معنای آن  
است که اقرار می‌کنم و اعتراف می‌کنم -  
نمایم.

\* در طلب علم بودن برای

---

(1) صحیح البخاری: (97/11 - 6306)،

(130/11 - ح 6323).

کسب رضایت الله تعالى:

در صحیح مسلم<sup>(۱)</sup> از

ابوهریره رضی الله عنه آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله

فرمود: «من سلک طریقاً یلتمس فیہ

علماً سهل الله له طریقاً إلى الجنة»

(کسی که راهی را بپیماید که برای

کسب علم باشد، الله [تعالی] راهی به

---

(1) صحیح مسلم: (1/2074) (ح 2699).

سوی بهشت را برای او آسان می‌کند).

\* نمازهای واجب و مستحب:

أ- نمازهای پنجگانه:

از عباده بن صامت رضی الله عنه آمده

است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «خمس

صلوات کتبهن الله علی العباد، فمن

جاء بهن لم یضیع منهن شیئاً استخفافاً

بحقهم کان له عند الله عهد أن یدخله

الجنة، ومن لم یأت بهن فلیس له عند

الله عهد، إن شاء عذبه، وإن شاء  
أدخله الجنة» (پنج نماز هستند که الله  
[تعالی] آنان را بر بندگان واجب  
فرموده است، کسی که با آنها بیاید و  
آنها را ذره‌ای از روی اهمیت ندادن به  
حق آنها، ضایع نگرداند، عهدی نزد الله  
[متعال] دارد که او را وارد بهشت  
می‌کند و کسی که با آنها نیاید، عهدی  
برای او نزد الله [عزوجل] وجود ندارد، اگر

بخواهد عذابش می دهد و اگر بخواهد  
او را وارد بهشت می کند) [مالک<sup>(۱)</sup>،  
أحمد<sup>(۲)</sup>، أبوداود<sup>(۳)</sup>، نسائی<sup>(۴)</sup>، ابن

---

(1) الموطأ: (123/1) (ح 14).

(2) مسند أحمد: (315/5).

(3) سنن أبي داود: (295/1) (ح 425) و  
(130/2) (ح 1420).

(4) سنن النسائی: (230/1) (461).

ماجه<sup>(١)</sup>، ابن حبان<sup>(٢)</sup>، ابن عبد البر  
گفته است: ثابت صحيح<sup>(٣)</sup> و آلبنی  
سند آن را صحيح دانسته است<sup>(٤)</sup>].

---

(1) سنن ابن ماجه: (449/1) (ح 1401).

(2) الإحسان: (115/3) (ح 1729).

(3) نقله عنه ابن الملقن فى تحفة المحتاج:

(576/1) وابن حجر فى التلخيص:

(147/2).

(4) صحيح الجامع: (3243).

ب - نماز صبح و نماز عصر:

ابوموسی رضی الله عنه گفته است که رسول

الله صلی الله علیه و آله فرمود: «من صلی البردین دخل

الجنة»<sup>۱</sup> (کسی که دو نماز صبح و

عصر را بخواند، داخل بهشت می شود)

---

<sup>۱</sup> - بعضی از علماء درباره‌ی این حدیث

گفته‌اند که آن منسوخ می‌باشد و مربوط به

زمانی است که هنوز نمازهای پنجگانه

واجب نشده بود. (مترجم)

[متفق علیه<sup>(۱)</sup>].

ابن حجر گفته است: «البردین»  
منظور دو نماز صبح و عصر است.  
خطابی گفته است: آنها دو نماز  
خنک نامیده شده‌اند؛ زیرا در دو  
حالت خنکی روز، آن نمازها خوانده

---

(1) صحیح البخاری: (52/2) (ح 574)  
و صحیح مسلم: (440/1) (ح 635).

می‌شوند و آن در دو طرف روز است  
که هوا نیکو می‌شود و گرمایی وجود  
ندارد<sup>(۱)</sup>.

ج - نمازهای سنت رواتب:

أم حبیبة رضی الله عنها گفته

است که رسول الله ﷺ فرمود: «ما من

---

(1) فتح الباری: (2/53).

عبد مسلم یصلیٰ لله کل یوم ثنتی  
عشره رکعة تطوعاً غیر فریضة إلا  
بنی الله له بیتاً فی الجنة» (بندهی  
مسلمانی نیست که در هر روز دوازده  
رکعت نماز مستحب و غیر واجب  
بخواند، مگر آن که الله [متعال] خانه‌ای  
در بهشت برای او بنا می‌فرماید)

[مسلم<sup>(۱)</sup>].

با لفظی دیگر آمده است: «من  
صلى اثنتى عشرة ركعة فى يوم وليلة  
بنى له بيت فى الجنة» (کسی که در  
شبى و روزى دوازده رکعت نماز  
بخواند، برای او خانه‌ای در بهشت بنا  
می‌شود).

---

(1) صحیح مسلم: (1/503 - ح 728).

ترمذی<sup>(۱)</sup> آن را روایت کرده  
است و افزوده است: «أربعاً قبل  
الظهر، ورکعتین بعدها، ورکعتین بعد  
المغرب، ورکعتین بعد العشاء،  
ورکعتین قبل صلاة الفجر» (چهار  
رکعت قبل از ظهر و دو رکعت بعد از  
آن و دو رکعت بعد از مغرب و دو

---

(1) جامع الترمذی: (415/2) (ح 415).

رکعت بعد از عشاء و دو رکعت قبل از  
نماز صبح) ترمذی گفته است: حدیث  
حسن صحیح است.

د - سنت وضو:

ابوهریره رضی الله عنه گفته است که رسول  
الله صلی الله علیه و آله هنگام نماز صبح به بلال رضی الله عنه  
فرمود: «حدثنی بأرجی عمل عملته  
عندک فی الإسلام منفعه، فإنی سمعت  
اللیلۃ خشف نعلیک بین یدی فی

الجنة؟» (از عملی که در اسلام آن را انجام داده‌ای و به آن برای نفع بردن بیشتر از بقیه [اعمال] امید داری را به من بگو! زی‌ر من امشب صدای دمپایی‌های تو را در پیشگاه بهشت شنیدم؟) بلال رضی الله عنه گفت: به عملی بیشتر از این در اسلام امید ندارم که در آن نفع وجود داشته باشد مگر آن که در ساعتی از شب یا روز طهارتی کامل

کرده باشم (غسل، وضو و ...) و با آن  
طهارت نمازی را خوانده باشم که الله  
[تعالی] آن را برای من نوشته باشد.  
در روایتی دیگر آمده است:  
«فإني سمعت دف نعليك» (من  
صدای دمپایی تو را شنیدم) [متفق

علیه] <sup>(۱)</sup>.

هـ- دو رکعت نماز با حضور

قلب و فروتنی:

عقبه بن عامر رضی اللہ عنہ گفته است که

رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «ما من مسلم

یتوضأ فیحسن وضوءه، ثم یقوم

---

(1) صحیح البخاری: (34/3) (1149).

وصحیح مسلم: (4/1910) (ح 2485).

فیصلی رکعتین، مقبل علیهما بقلبه  
ووجهه إلا وجبت له الجنة» (مسلمانی  
نیست که وضویی نیکو بگیرد، سپس  
بایستد و دو رکعت نماز بخواند در  
حالی که قلب و صورت او متوجه آن  
دو [رکعت] باشد، [اتفاقی نمی‌افتد]  
مگر آن که بهشت بر او واجب می‌-

شود) [رواه مسلم] (۱).

و- زیاد سجده نمودن برای الله

تعالی:

خالد بن معدان گفته است: ثوبان

مولای رسول الله ﷺ را دیدم و گفتم: از

عملی به من خبر بده که الله [تعالی]

مرا توسط آن داخل بهشت می فرماید

---

(1) صحیح مسلم: (1/209) (ح 234).

یا آن که - آمده است - کدام عمل  
نزد الله محبوبتر است؟ او ساکت شد،  
دوباره ای از او پرسیدم؟ او ساکت شد،  
بار سوم از او پرسیدم؟ گفت: لاین را  
از رسول الله ﷺ پرسیدم و فرمود:  
«علیک بکثرة السجود لله، فإنک لا  
تسجد لله سجدة إلا رفعک الله بها  
درجة، و حط عنک بها خطیئة» (بر  
توست زیاد سجده نمودن، زی را تو

سجده‌ای را برای الله [متعال] بجا  
نمی‌آوری، مگر آن که الله توسط آن  
تو را درجه‌ای بالا می‌برد و خطایی از  
تو را پاک می‌کند) [مسلم]<sup>(۱)</sup>.

ربیعہ بن کعب رضی اللہ عنہ گفته است که  
شب‌ی را با رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم سپری کردم، با  
وضو و نیازش نزد وی رفتم و به من

---

(1) صحیح مسلم: (1/353) (ح 488).

فرمود: «سئل؟» (درخواست کن؟)  
گفت: همنشینی با تو در بهشت را از  
تو می‌خواهم، فرمود: «أو غیر ذلک؟»  
(غیر از این؟) گفتم: همان، فرمود:  
«فأعنی علی نفسک بکثرة السجود»  
[برای این امر] با زیاد نمودن سجده  
به خودت کمک کن! [مسلم]<sup>(۱)</sup>.

---

(1) صحیح مسلم: (1/353) (ح 479).

ز - نماز شب:

عبد الله بن سلام رضي الله عنه گفته است  
که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «يا أيها الناس  
أفشوا السلام، وأطعموا الطعام، وصلوا  
الأرحام، وصلوا بالليل والناس نيام  
تدخلوا الجنة بسلام» (ای مردم! سلام  
کردن را انتشار دهید و [به فقیران] غذا  
دهید و صله‌ی رحم بجا آورید و شب  
در حالی که مردم خواب هستند، نماز

بخوانید [که در این صورت] به  
سلامت داخل بهشت می شوید  
[ترمذی و آن را صحیح دانسته  
است<sup>(۱)</sup>، ابن ماجه<sup>(۲)</sup>، أحمد<sup>(۳)</sup>، حاکم<sup>(۴)</sup>

---

(1) جامع الترمذی: (562/4) (ح 2475).

(2) سنن ابن ماجه: (423/1 - ح 1334) و

(1083/2 - ح 3251).

(3) مسند أحمد: (451/5).

(4) المستدرک: (13/3).

و گفته است به شرط شیخین صحیح  
می باشد. وأقره ذهبی و آلبنی<sup>(۱)</sup>].

احادیث دیگری درباره‌ی انتشار  
سلام خواهد آمد که به این حدیث  
گواهی می دهند.

\* زیاد به مسجد رفتن برای

عبادت:

---

(1) السلسلة الصحيحة: (569).

ابوهریره رضی الله عنه گفته است که  
پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من غدا إلى المسجد  
أو راح أعد الله له في الجنة نزلاً كلما  
غدا أو راح» (کسی که صبح یا شبی  
به مسجد برود، الله برای او پذیرایی در  
بهشت آماده می‌نماید که به مانند آن  
صبح رفتن [او] یا در شب رفتن [او])

می باشد) [متفق علیه]<sup>(۱)</sup>.

ابن حجر گفته است: «النزل» به  
ضمه‌ی نون و زاء مکانی است که  
آماده‌ی نازل شدن در آن می‌باشد و با  
ساکن بودنِ زاء چیزی است که آماده‌ی  
مهمانی و مانند آن است... و ظاهر

---

(1) صحیح البخاری: (2/148) (ح 662)،

و صحیح مسلم: (1/462) (ح 669).

حدیث می‌رساند که کسی که به مسجد  
به صورت مطلق می‌رود، فضیلت برای  
او حاصل می‌شود، ولی منظر او از آن  
رفتگی است که برای عبادت،  
مخصوصاً نماز می‌باشد<sup>(۱)</sup>.

«الغدو»: رفتن در اول روز است  
و آن از اول روز تا وقت زوال (اذان

---

(1) فتح الباری: (1/148).

ظهر) است.

«الروح»: رفتن در آخر آن

است و آن بین زوال تا شب هـ ی -  
باشد<sup>(۱)</sup>.

ابو امامه رضی الله عنه گفته است که رسول

الله صلی الله علیه و آله فرمود: «ثلاثة کلهم ضامن علی

الله إن عاش رزق و کفی، و إن مات

---

(1) انظر هدی الساری: ص (126، 161).

أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ» (سه گروه هستند که الله  
[متعالم] مسئولیت تمامی آنها را  
برعهده می‌گیرد، اگر زندگی کنند،  
روزی داده می‌شوند و برای آنها کافی  
است و اگر بمیرند آنها را داخل بهشت  
می‌نماید) و از آنها ذکر فرمود: «وَمَنْ  
خَرَجَ إِلَى الْمَسْجِدِ، فَهُوَ ضَامِنٌ عَلَى  
اللَّهِ» (و کسی که به سوی مسجد [از  
خانه] خارج شود، همان کسی است

که الله [متعال] عهده‌دار او می‌شود)  
[أبوداود<sup>(۱)</sup>، ابن حبان در صحیحش<sup>(۲)</sup>  
و لفظ برای اوست و آلبانی سند آن را  
صحیح دانسته است<sup>(۳)</sup>].

\* ساختن مسجد:

- 
- (1) سنن أبی داود: (16/3) (ح 2494).
  - (2) الإحسان: (1/359) (ح 449).
  - (3) صحیح الترغیب: (1/128).

عثمان بن عفان رضی الله عنه گفته است که  
رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «من بنی مسجداً  
یبتغی به وجه الله بنی الله له مثله فی  
الجنة» (کسی که برای کسب  
رضایتمندی الله [تعالی] مسجدی  
بسازد، الله [متعال] برای او مثل آن را  
در بهشت می‌سازد) [متفق علیه] <sup>(۱)</sup>.

---

(1) صحیح البخاری: (544/1) (ح 450)

=

جابر بن عبد الله رضى الله عنهما  
گفته است که رسول الله ﷺ فرمود:  
«من بنى مسجداً لله كمفحص قطاء، أو  
أصغر بنى الله له بيتاً فى الجنة» (کسى  
که برای الله مسجدى به اندازه‌ی  
خانه‌ی مرغ سنگخوار یا کوچکتر  
بسازد، الله [تعالی] برای او خانه‌ای در

---

=

وصحيح مسلم: (378/1) (ح 533).

بهشت بنا می‌نهد) [ابن ماجه<sup>(۱)</sup>،  
بوصیری گفته است: اسناد آن صحیح  
است<sup>(۲)</sup> و آلبنی آن را صحیح دانسته  
است<sup>(۳)</sup>].

- 
- (1) سنن ابن ماجه: (244/1) (ح738).
  - (2) مصباح الزجاجة: (94/1).
  - (3) صحیح الجامع (ح6128).

\* اذان را تکرار کردن:

عمر رضی الله عنه گفته است که رسول

الله صلی الله علیه و آله فرمود: «إِذَا قَالَ الْمُؤَذِّنُ: اللهُ

أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ، فَقَالَ أَحَدُكُمْ: اللهُ أَكْبَرُ

الله أَكْبَرُ، ثُمَّ قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا

الله، قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ، ثُمَّ

قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ، قَالَ:

أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ، ثُمَّ قَالَ:

حَى عَلَى الصَّلَاةِ، قَالَ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

إِلاَ بِاللّٰهِ، ثُمَّ قَالَ: حَىٰ عَلَى الْفَلَاحِ، قَالَ:  
لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلاَ بِاللّٰهِ، ثُمَّ قَالَ: اللّٰهُ  
أَكْبَرُ اللّٰهُ أَكْبَرُ، قَالَ: اللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُ أَكْبَرُ،  
ثُمَّ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلاَ اللّٰهُ، قَالَ: لَا إِلَهَ إِلاَ  
اللّٰهُ مِنْ قَلْبِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ» (وقتی مؤذن  
می گوید: اللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُ أَكْبَرُ، کسی از  
شما بگوید: اللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُ أَكْبَرُ، سپس  
[مؤذن] بگوید: اشهد ان لا اله الا الله و  
او بگوید: اشهد ان لا اله الا الله، سپس

[مؤذن] بگوید: اشهد انّ محمداً رسول  
الله و او بگوید: اشهد انّ محمداً رسول  
الله، سپس [مؤذن] بگوید: حى على  
الصلاة و او بگوید: لا حول و لا قوة  
الا بالله (هیچ دگرگونی و قدرتی نیست  
مگر از جانب الله)، سپس [مؤذن]  
بگوید: حى على الفلاح و او بگوید: لا  
حول و لا قوة الا بالله، سپس مؤذن  
بگوید: الله اكبر الله اكبر و او بگوید: الله

اکبر لله اکبر، سپس [مؤذن] بگوید: لا  
اله (پرستش شونده و معبود برحق) الا  
الله و او بگوید: لا اله الا الله. [اگر اینها  
را] با قلبش [بگوید]، داخل بهشت  
می شود) [مسلم]<sup>(۱)</sup>.

\* روزه:

ابوهریره رضی الله عنه گفته است که رسول

---

(1) صحیح مسلم: (1/289) (ح 275).

الله ﷺ فرمود: «إِذَا جَاءَ رَمَضَانَ فَتَحَتْ  
أَبْوَابُ الْجَنَّةِ، وَغَلَقَتْ أَبْوَابُ النَّارِ،  
وَصَفَدَتْ الشَّيَاطِينَ» (وقتی رمضان  
می آید، دربهای بهشت باز می شوند و  
دربهای جهنم بسته می شوند و شیطانها  
در بند و زنجیر گرفتار می شوند) [متفق  
علیه] <sup>(۱)</sup>.

---

(1) صحیح البخاری: (4/122) - ح

=

سهل بن سعد رضي الله عنه گفته است كه  
پيامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ أَبَا  
يُقَالُ لَهُ: الرِّيَّانُ، يَدْخُلُ مِنْهُ الصَّائِمُونَ  
يَوْمَ الْقِيَامَةِ، لَا يَدْخُلُ مِنْهُ أَحَدٌ غَيْرِهِمْ،  
يُقَالُ: أَيُّنَ الصَّائِمُونَ؟ فَيَقُومُونَ، لَا  
يَدْخُلُ مِنْهُ أَحَدٌ غَيْرِهِمْ، فَإِذَا دَخَلُوا  
=

---

1898 (336 - ح 3277)، وصحيح

مسلم: (758/2) (ح 1079).

أغلق، فلم يدخل منه أحد» (بهشت  
دری دارد که به آن «الریمان» گفته  
می‌شود، روز قیامت، روزه داران از  
آن داخل می‌شوند و احدی غیر از  
آنها از آن داخل نمی‌شود، گفته می‌-  
شود: روزه داران کجا هستند؟ آنها  
می‌ایستند [تا از آن داخل شوند] و  
احدی غیر از آنها از آن داخل نمی‌-  
شود، وقتی داخل شدند، بسته می‌شود

و احدی از آن داخل نمی شود) [متفق  
علیه] <sup>(۱)</sup>.

\* انفاق در راه الله تعالی:

ابوهریره رضی الله عنه گفته است که رسول

الله صلی الله علیه و آله فرمود: «من أنفق زوجین فی

---

(1) صحیح البخاری: (1114 - ح 1896)

(328/6 - ح 3257)، و صحیح مسلم:

(808/2) (ح 1152).

سبيل الله، نودى من أبواب الجنة: يا  
عبد الله، هذا خير، فمن كان من أهل  
الصلاة دعى من باب الصلاة، ومن  
كان من أهل الجهاد دعى من باب  
الجهاد، ومن كان من أهل الصيام دعى  
من باب الريان، ومن كان من أهل  
الصدقة دعى من باب الصدقة» (كسى  
که دو بار از چيزى در راه الله انفاق  
کند، از دربهاى بهشت ندا داده مى -

شود: ای بنده‌ی الله، لین خیر است،  
اگر از اهل نماز باشد از درب نماز  
دعوت داده می‌شود و اگر از اهل  
جهاد باشد از درب جهاد دعوت داده  
می‌شود و اگر از اهل روزه باشد از  
درب «الریان» دعوت داده می‌شود و  
اگر از اهل صدقه باشد، از درب  
صدقه دعوت داده می‌شود). ابوبکر رضی الله عنه  
گفت: پدر و مادرم فدایت شوند ای

رسول الله! هر کسی بر حسب  
ضرورت از یکی از آن دربها دعوت  
داده می‌شود، آیا کسی وجود دارد که  
از تمام دربها دعوت داده شود؟  
فرمود: «نعم، وأرجو أن تكون منهم»  
(بله و امید دارم که تو از آنها باشی)  
[متفق علیه]<sup>(۱)</sup>.

---

(1) صحیح البخاری: (4/11-ح 1897).

=

حافظ ابن حجر گفته است:  
منظور از «الزوجین» انفاق دو چیز  
است که از یک نوع واحد باشند<sup>(۱)</sup>.  
گفته است و سخنش: «فی سبیل  
الله» به معنای برای طلب نمودن ثواب  
از الله [تعالی] و آن عام‌تر از جهاد و

---

وصحیح مسلم: (711/2) (ح 1027).

(1) فتح الباری: (112/4).

دیگر عبادات است [و همه‌ی آنها را  
شامل می‌شود] <sup>(۱)</sup>.

\* صدقه:

حذیفه رضی الله عنه گفته است که رسول  
الله صلی الله علیه و آله فرمود: «من تصدق بصدقة  
ابتغاء وجه الله ختم له بها دخل الجنة»  
(کسی که برای کسب رضایتمندی الله

---

(1) فتح الباری: (27/7).

[تعالی] صدقه‌ای بدهد و عمرش با آن  
تمام شود، داخل بهشت می‌شود)  
[أحمد<sup>(۱)</sup>، منذری گفته است: در  
اسناد آن ایرادی وجود ندارد]<sup>(۲)</sup>.

\* گذشت نمودن از شخص

فقیر:

---

(1) المسند: (391/5).

(2) الترغیب والترهیب: (61/2).

حذیفہ رضی اللہ عنہ گفته است کہ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم

فرمود: «أن رجلاً مات فدخل الجنة،

فقيل له: ما كنت تعمل؟ قال: فيما ذكر

أو ذكر، فقال: إني كنت أبايع الناس،

فكنت أنظر المعسر وأتجوز في السكة

أو في القدر. فغفر له» (مردی وفات

نمود و داخل بهشت شد، به او گفته

شد: عمل تو چه بود؟ گفت: یاد نمود

یا یادآور شد و گفت: من با مردم

خرید و فروش می‌کردم و به فقیر  
مهلت می‌دادم و [برای او به اندازه‌ی]  
درهم یا اندازه زدنی در می‌گذشتم. و  
به هم بین دلیل آمرزیده شد). أبو  
مسعود گفته است: من آن را از رسول  
الله ﷺ شنیدم [مسلم]<sup>(۱)</sup>.

امام نووی گفته است: «والتجاوز

---

(1) صحیح الترغیب والترهیب.

والتجوز» معنای آن دو این است که  
در حکم نمودن و کامل کردن معامله  
مسامحه می نمود و آنچه کم بود را  
قبول می کرد<sup>(۱)</sup>.

\* به کنار زدن چیزهایی در راه  
که باعث آزار مردم می شود:

---

(1) شرح صحیح مسلم للنووی:  
(483/10).

ابوهریره رضی الله عنه گفته است که رسول  
الله صلی الله علیه و آله فرمود: «لقد رأیت رجلاً يتقلب  
فی الجنة فی شجرة قطعها من ظهر  
الطریق، كانت تؤذی الناس» (مردی  
را دیدم که در بهشت گشت و گذار  
می نمود و این برای آن بود که او  
درختی که در راه، باعث آزار مردم

شده بود را قطع نمود) [مسلم]<sup>(۱)</sup>.

لفظ أبوداود<sup>(۲)</sup> این است: «نزع

رجل لم يعمل خيراً قط غصن سوک

عن الطريق، إما كان فی شجرة فقطعه

وألقاه، وإما كان موضوعاً فأماطه،

فشکر الله له بها، فأدخله الجنة»

---

(1) صحیح مسلم: (4/2021) (ح 1914).

(2) سنن أبی داود: (5/408) (ح 5245).

(مردی که هرگز هیچ عمل خیری را  
انجام نداده بود، شاخه‌ی خاردارى را  
از سر راه برداشت، یا آن به صورت  
درختی بود که آن را قطع نمود و کنار  
انداخت و یا آن که اگر قرار گرفته بود  
آن را کنار زد، در نتیجه الله [تعالی] به  
واسطه‌ی آن از او قدردانی نمود و او

را داخل بهشت نمود). آلبانی گفته  
است: حسن صحیح است<sup>(۱)</sup>.

\* نیکوکاری به حیوانات:

ابوهریره رضی الله عنه گفته است که  
پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «أن رجلاً رأى كلباً  
يأكل الثرى من العطش، فأخذ الرجل  
خفه فجعل يغرف له به حتى أرواه،

---

(1) صحیح سنن أبی داود: (984/3).

فشکر الله له فأدخله الجنة» (مردی سگی را دید که از شدت تشنگی گل می‌خورد و آن مرد کفشش را برداشت برای او مستی آب آورد تا آن که تشنگی [سگ] را برطرف نمود، الله از او قدردانی نمود و او را داخل بهشت کرد) [بخاری (بخارایی)]<sup>(۱)</sup>.

---

(1) صحیح البخاری: (278/1) (ح 173).

ابن حجر گفته است: معنای

«الثری» خاک نمناک است<sup>(۱)</sup>.

\* کفالت یتیم:

سهل بن سعد رضی الله عنه گفته است که

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «أنا وكافل الیتیم

فی الجنة هکذا» (من و کسی که

کفالت یتیمی را برعهده بگیرد، به مانند

---

(1) فتح الباری: (278/1).

این هستیم) و اشاره نمود به انگشت  
سبابه و وسط و بدین آنها فاصله  
انداخت. [بخاری (بخارایی)<sup>(۱)</sup>].

ابوهریره رضی الله عنه گفته است که رسول  
الله صلی الله علیه و آله فرمود: «کافل الیتیم له أو لغيره  
أنا وهو کھاتین فی الجنة» (کسی که

---

(1) صحیح البخاری: (9/439 - ح  
5304) و (10/436 - ح6005).

یتیمی را کفالت کند، چه آن یتیم  
فامیلش باشد و یا غیر فامیل باشد،  
من و او به مانند این دو در بهشت  
هستیم) [مسلم]<sup>(۱)</sup>.

ابن اثیر گفته است: «کافل  
الیتیم» کسی است که امر یتیم را بر  
عهده بگیرد و او را کفالت کند و او را

---

(1) صحیح مسلم: (2287/4) (ح 2983).

تربیت نماید. «الیتیم»: کسی است که پدرش مرده است و از جنبندگان کسی است که مادرش مرده باشد.

گفته است: «له أو لغيره» ضمیر

در آن به کفالت کننده‌ی یتیم بر می‌-

گردد، یکسان است که آن [یتیم] از

خویشاوندان و نسب او به مانند

فرزندش و مانند آن باشد یا آن که او

بیگانه باشد [و فامیل او نباشد] و او

وی را کفالت کند، برای آن دو یک  
اجر وجود دارد<sup>(۱)</sup>.

ابن حجر گفته است: معنای  
سخنش: «له» این است که پدر بزرگ  
یا عمو و یا برادر و یا به مانند آن از  
خویشاوندان باشد، یا آن که پدر بچه  
بمیرد و مادر او بجای پدرش تربیت

---

(1) جامع الأصول: (418/1).

او را برعهده بگیرد<sup>(۱)</sup>.

\* تربیت کردن و نفقه دادن به

دختران:

در صحیح مسلم<sup>(۲)</sup> از انس رضی الله عنه

آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من

عال جاریتین حتی تبلغا جاء یوم

---

(1) فتح الباری: (10/436).

(2) صحیح مسلم: (4/2027) (ح 2631).

القيامة، أنا وهو، وضم أصابعه» (کسی که دو دختر را سرپرستی کند تا بزرگ شوند، روز قیامت من و او [این گونه هستیم] و انگشتانش را جمع نمود).  
ترمذی<sup>(۱)</sup> با این لفظ روایت کرده است: «من عال جاريتين دخلت أنا وهو الجنة كهاتين وأشار بأصبعيه»

---

(1) جامع الترمذی: (281/4) (ح 1914).

(کسی که دو دختر را سرپرستی کند،  
من و او به مانند این دو داخل بهشت  
می شویم و به دو انگشتش اشاره  
نمود) و گفته است این حدیث با این  
وجه حسن می باشد.

امام نووی گفته است: معنای  
«عالمها» این است که نفقه و کفالت  
آن دو و تربیت آنها و مانند آن را  
برعهده بگیرد و ریشه‌ی آن «العول» و

آن نزدیکی است و از آن آمده است:  
«ابدأ بمن تعول» (با کسی که  
سرپرستی می‌کنی، شروع کن!)<sup>(۱)</sup>.

عایشه رضی الله عنها گفته است:  
زن فقیری نزد من آمد در حالی که دو  
دخترش را در بقل داشت، به او سه  
خرما دادم تا آن را بخورد و او آنها را

---

(1) شرح صحیح مسلم: (419/16).

به دخترانش داد و خرمایی را که می -  
خواست بخورد، دو نیم کرد و بین آنها  
تقسیم کرد. کار او مرا به تعجب  
انداخت و عملی را که انجام داده بود  
برای رسول الله ﷺ بی مان داشتم و او  
فرمود: «إن الله قد أوجب لها بها  
الجنة، أو أعتقها بها من النار» (به  
وسیله‌ی آن، الله [تعالی]، بهشت را بر  
او واجب فرمود یا او را از آتش جهنم

نجات داد) [با این لفظ، مسلم<sup>(۱)</sup>].

این حدیث در صحیحین<sup>(۲)</sup> از

عایشه رضی الله عنها با این لفظ آمده

است: زنی نزد من آمد که دو دختر

همراه وی بودند و از من گدایی کرد،

---

(1) صحیح مسلم: (4/2027) (ح 2630).

(2) صحیح البخاری: (10/426) و صحیح

مسلم الموضع السابق.

چیزی نزد خودم نیافتم، مگر یک  
خرما و آن را به او عطا نمودم، آن را  
گرفت و بین دو دخترش تقسیم نمود  
و از آن چیزی نخورد، سپس ایستاد و  
همراه دو دخترش رفت. پیامبر ﷺ نزد  
من آمد و ماجرا را برایش بیان نمودم  
و پیامبر ﷺ فرمود: «من ابتلی من  
البنات بشيء، فأحسن إليهن كن له  
سترًا من النار» (کسی که با دخترانش

با چیزی مورد آزمایش قرار گیرد و او به آنها نیک می‌کند، [لین عمل او] برای وی مانعی از آتش جهنم نمی‌شود).

انس رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «من کن له ثلاث بنات، أو ثلاث أخوات، فاتقى الله، وأقام عليهن كان معى فى الجنة هكذا، وأوماً بالسبابة والوسطى» (کسی که

سه دختر یا سه خواهر داشته باشد و  
از الله [درباره‌ی آنها] بترسد و تقوا  
پیشه کند و بر آنها سرپرستی کند،  
همراه من در بهشت این گونه خواهد  
بود و به انگشت سیابه و وسط خود  
اشاره فرمود) [أبو یعلی و آلبانی سند  
آن را صحیح دانسته‌اند<sup>(۱)</sup>].

---

(1) ساقه الألبانی فی السلسله الصحیحه:

=

## \* اخلاق نیکو:

ابوهریره رضی الله عنه گفته است: از رسول  
الله صلی الله علیه و آله سوال شد که بیشترین افرادی که  
وارد بهشت می شوند، چه کسانی  
هستند؟ فرمود: «تقوی الله و حسن  
الخلق» (کسی که تقوای الهی و اخلاق  
نیکو داشته باشد)، سوال شد بیشترین  
=

---

(295) من مسند أبي يعلى بسنده ومتمنه.

افرادی که داخل جهنم می‌شوند چه کسانی هستند؟ فرمود: «الفم والفرج»  
([کسی که دارای دهان و فرج  
[گناهکار باشد]) [ترمذی<sup>(۱)</sup> و گفته  
است: این حدیث صحیح غریب است  
و آلبانی سند آن را حسن دانسته

---

(1) جامع الترمذی: (319/4) (ح 2004).

است<sup>(۱)</sup> و ابن ماجه آن را تخریج  
نموده است<sup>(۲)</sup>].

ابو امامه رضی الله عنه گفته است که رسول  
الله صلی الله علیه و آله فرمود: «أما زعيم بييت في  
ربض الجنة لمن ترك المرء وإن كان  
محققاً، وبييت في وسط الجنة لمن

---

(1) صحيح سنن الترمذی: (194/2).

(2) سنن ابن ماجه: (1418/2) (ح 4246).

ترك الكذب وإن كان مازحاً، وببيت  
فی أعلى الجنة لمن حسن خلقه»  
(برای کفالت کننده، خانه‌ای در وسط  
بهشت است و این در صورتی است  
که درگیری را ترک کند، حتی اگر  
حق با او باشد و برای کسی که دروغ  
را ترک می‌کند، حتی از روی شوخی،  
خانه‌ای در وسط بهشت خواهد بود و  
در بالاترین جای بهشت، خانه‌ای

برای کسی است که اخلاق نیکو داشته  
باشد) [ابوداود<sup>(۱)</sup> و نووی<sup>(۲)</sup> و آلبانی  
آن را صحیح دانسته‌اند<sup>(۳)</sup>].

خطابی گفته است: «الزعیم»  
تضمین کننده و کفالت کننده است<sup>(۴)</sup>.

---

(1) سنن أبی داود: (150/5) (ح 4800).

(2) ریاض الصالحین: (ح 634).

(3) صحیح الجامع الصغیر: (ح 1464).

(4) معالم السنن مع السنن: (150/5).

\* راستگویی و ترک کردن

دروغ:

حدیث ابوامامه رضی الله عنه که در قبل

آمد دلیلی بر آن می باشد.

ابن مسعود رضی الله عنه گفته است که

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «إن الصدق يهدى

إلى البر، وإن البر يهدى إلى الجنة،

وإن الرجل ليصدق حتى يكون صديقاً،

وإن الكذب يهدى إلى الفجور، وإن

الفجور يهدى إلى النار، وإن الرجل  
ليكذب حتى يكتب عند الله كذاباً»  
(راستگویی به سوی نیکی هدایت  
می‌کند و نیکی به سوی بهشت و  
مردی است که آنقدر راست می‌گوید  
تا آن که به منزلت صدیق (بسیار  
راستگو) می‌رسد و دروغگویی به  
سوی فجور هدایت می‌کند و فجور به  
سوی آتش جهنم و مردی است که

آنقدر دروغ می گوید تا الله [تعالی  
منزلت] او را کذاب (بسیار دروغگو)  
می نویسد. [متفق علیه<sup>(۱)</sup> و لفظ برای  
بخاری (بخارایی) است].

\* حفظ زبان و فرج:

سهل بن سعد رضی الله عنه گفته است که

---

(1) صحیح البخاری: (507/10). و صحیح

مسلم: (2012/4) (ح 2607).

رسول الله ﷺ فرمود: «من يضمن لى ما بين لحييه وما بين رجله أضمن له الجنة» (کسى که آنچه بين دو ريشش (ريش و سبيل) و آنچه بين دو پایش است را برای من تضمین کند، من برای او بهشت را تضمین می‌کنم).  
با لفظی دیگر آمده است: «من توکل لى ما بين رجله وما بين لحييه توكلت له بالجنة» (کسى که آنچه در

بین دو پایش و آنچه بین دو ریشش  
است را برای من حفظ کند، برای او  
بهشت را حفظ می‌کنم)  
[بخاری (بخارایی)<sup>(۱)</sup>].

ابن حجر گفته است: «یضمن»  
از ریشه‌ی «الضمان» است و به معنای

---

(1) صحیح البخاری: (308/11)  
(ح 6474) و (113/12) (ح 6807).

وفا نمودن با ترک گناه است و منظور کسی است که حق آنچه بر زبان جاری می‌شود را بجا آورد یا آن که از چیزی که به او مربوط نمی‌شود، ساکت گردد و همچنین حق فرج را ادا کند و آن را در راه حلال استفاده کند و آن را از حرام باز دارد.

گفته است: «لحییه» بـ با فتح هـ ی

لام و ساکن بودن حاء و تشبیه بودن

آن منظور دو استخوان دو طرف دهان  
است و منظور چیزی است که بین آن  
دو است که همان زبان و آنچه از  
سخن گفتن با آن انجام می‌پذیرد می-  
باشد و: «ما بین الرجلین:» (بین دو  
پایش) منظور فرج است<sup>(۱)</sup>.

\* فرو بردن خشم و عدم

---

(1) فتح الباری: (309/11).

## خشمگین شدن:

ابودرداء رضی الله عنه گفته است که مردی  
به رسول الله صلی الله علیه و آله گفت: مرا به چه چیزی  
راهنمایی کن که مرا داخل بهشت  
نماید! رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «لا تغضب  
ولک الجنة» (عصبانی نشو و بری تو  
بهشت خواهد بود) [طبرانی و منذری  
گفته است: طبرانی آن را با دو سند  
بیان داشته است و یکی از آنها صحیح

است<sup>(۱)</sup> و آلبانی گفته است: صحیح  
است<sup>(۲)</sup>].

أصل حدیث آن است که در  
صحیح بخاری<sup>(۳)</sup> آمده است که  
ابوهریره رضی الله عنه گفته است: مردی به

---

(1) الترغیب والترهیب: (277/3).

(2) صحیح الجامع الصغیر: (ح 7374).

(3) صحیح البخاری: (519/10)  
(ح 6116).

پیامبر ﷺ گفت: مرا به چیزی سفارش کن! فرمود: «لا تغضب» (خشمگین مشو!) آن [سوال] را چند بار تکرار کرد [و پیامبر ﷺ] فرمود: «لا تغضب» (خشمگین مشو!).

\* سلامت بودن درون از

حسادت و کینه:

أنس بن مالک رضی الله عنه گفته است:

نزد رسول الله ﷺ نشسته بودیم که

فرمود: «يطلع عليكم الآن رجل من  
أهل الجنة» (حالا مردی از اهل  
بهشت بر شما نمایان می‌شود) در  
همان هنگام مردی که ریشش از وضو  
گرفتن تمیز شده بود و دو دمپایی‌اش  
در دست چپش بود، نمایان شد.

فردای آن روز رسول الله ﷺ

فرمود: «يطلع عليكم الآن رجل من  
أهل الجنة» (حالا مردی از اهل

بهشت بر شما نملیان می شود)، در  
همان هنگام همان مرد به مانند دفعه‌ی  
اول نمایان شد.

روز بعد از آن رسول الله ﷺ  
فرمود: «يطلع عليكم الآن رجل من  
أهل الجنة» (حالا مردی از اهل  
بهشت بر شما نمایان می شود) همان  
مرد به مانند دفعه‌ی اول نمایان شد.

وقتی رسول الله ﷺ ایستاد عبد الله

بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما به  
دنبال او رفت و گفت: با پدرم اختلاف  
پیدا کرده‌ام و قسم خوردم که سه شب  
نزد وی نروم، اگر اجازه دهی تا نزد  
تو بیایم تا قسم درست از آب در  
بیاید، گفت: باشد.

انس رضی الله عنه گفت: عبد الله بن عمرو  
سه شب با او صبح نمود و ندید که او  
در شب کاری انجام دهد، مگر آن که

وقتی به رختخوابش می‌رفت، الله  
[تعالی] را یاد می‌نمود و تکیه می‌کرد -  
گفت، تا آن که صبح برای نماز می‌آمد -  
ایستاد و وضوی کاملی می‌گرفت.

عبد الله رضی الله عنه گفت: مگر آن که از  
او چیزی نشنیدم مگر خیر، وقتی سه  
شب تمام شد، خواستم تا عمل نمودن  
او را تحقیر کنم، گفتم: ای بنده‌ی الله!  
بین من و بین پدرم خشمگینی و قهر

کردنی وجود نداشته است، ولی از رسول الله ﷺ سه بار در سه محفل شنیدم که می فرمود: «يطلع عليكم الآن رجل من أهل الجنة» (حالا مردی از اهل بهشت بر شما نملی ان می شود) و در همان هنگام تو سه بار نمایان شدی و خواستم تا نزد تو بیایم تا عمل نمودنت را بنگرم و از تو عمل بزرگی را ندیدم، به چه دلیل رسول

الله ﷺ درباره‌ی تو این چنین گفت؟  
گفت: آن فقط چیزی است که تو  
دیده‌ای و از او جدا شدم.

وقتی از او جدا شدم، مرا صدا  
زد و گفت: آن فقط چیزی است که تو  
دیده‌ای، مگر آن که من کینه‌ی احدی  
از مسلمانان را در درونم ندارم و برای  
خیرِی که الله به آنان  
می‌دهد، حسادت نمی‌کنم، عبد الله بن

عمرو رضی اللہ عنہما گفت: این همان چیزی است که تو را به این منزلت رسانده است و همان چیزی است که ما طاقت آن را نداریم. [أحمد<sup>(۱)</sup>، نسائی<sup>(۲)</sup> و منذری: اسناد آن به شرط

---

(1) مسند أحمد: (166/3).

(2) عمل اليوم واللیلة للنسائی: (ص 493)  
(ح 863).

بخاری و مسلم صحیح است<sup>(۱)</sup>، عراقی  
گفته است: اسناد آن به شرط شیخین  
صحیح است<sup>(۲)</sup>].

\* ستایش نیکو از مردم:

انس رضی الله عنه گفته است که از کنار

---

(1) الترغیب والترهیب: (13/4).

(2) المغنی عن حمل الأسفار فی الأسفار فی

تخریج أحادیث الإحیاء: (187/3)

بهامش الإحیاء.

جنازه‌ای گذشت و از آن به خوبی یاد  
شد و پیامبر ﷺ فرمود: «وجبت وجبت  
وجبت» (واجب شد، واجب شد،  
واجب شد) و از کنار جنازه‌ای گذشت  
و از آن به بدی یاد شد و پیامبر ﷺ  
فرمود: «وجبت وجبت وجبت»  
(واجب شد، واجب شد، واجب شد)،  
عمر رضی الله عنه درباره‌ی آن از پیامبر ﷺ سوال  
نمود و او فرمود: «من أثنیتم علیه

خيراً وجبت له الجنة، ومن أثنيتم عليه  
شراً وجبت له النار، أنتم شهداء الله في  
الأرض، أنتم شهداء الله في الأرض،  
أنتم شهداء الله في الأرض» (کسی که  
از او به نیکی یاد کردید، بهشت بر او  
واجب شد و از کسی که به بدی یاد  
کردید، آتش جهنم بر او واجب شد،  
شما شاهدان الله [تعالی] بر روی زمین  
هستید، شما شاهدان الله [تعالی] بر

روی زمین هستید، شما شاهدان الله  
[تعالی] بر روی زمین هستید)  
[شیخان<sup>(۱)</sup> و لفظ برای مسلم است].

عمر رضی الله عنه گفته است که پیامبر صلی الله علیه و آله

فرمود: «أبما مسلم شهد له أربعة  
بخير أدخله الله الجنة» (برای مسلمانی

---

(1) صحيح البخاری: (228/3) (ح 1367)،

وصحيح مسلم: (655/2) (ح 949).

که چهار نفر گواهی دهند که او بر  
خیر بوده است، الله [متعالم] او را  
داخل بهشت می‌کند) گفتیم: سه نفر  
چطور؟ فرمود: «وثلثة» (و سه نفر)  
گفتیم: دو نفر چه طور؟ فرمود:  
«واثنان» (و دو نفر) و درباره‌ی یک  
نفر از او سوال ننمودیم. [بخاری<sup>(۱)</sup>].

---

(1) صحیح البخاری: (229/3) (ح 1368).

عبد الله بن عباس رضی الله  
عنهما گفته است که رسول الله ﷺ  
فرمود: «أهل الجنة من ملاء الله أذنيه  
من ثناء الناس خيراً وهو يسمع، وأهل  
النار من ملاء أذنيه من ثناء الناس شراً  
وهو يسمع» (اهل بهشت کسی است  
که الله گوشهای او را از خوب گویی  
مردم پُر کرده است و او آن را می-  
شنود و اهل آتش جهنم کسی است که

الله گوشهای او را از بدگویی مردم پُر کرده است و او آن را می شنود). [ابن ماجه<sup>(۱)</sup> بوصیری گفته است: اسناد این حدیث صحیح است و رجال آن ثقه می باشند<sup>(۲)</sup> و آلبانی گفته است:

---

(1) سنن ابن ماجه: (4224/2) (ح 4224).

(2) مصباح الزجاجة: (243/4).

صحیح است<sup>(۱)</sup>].

\* نیکی به پدر و مادر:

ابوهریره رضی الله عنه گفته است که رسول

الله صلی الله علیه و آله فرمود: «رغم أنفه ثم رغم أنفه

ثم رغم أنفه» (بینی اش بر زه بین

کشیده شود، سپس بینی اش بر زه بین

کشیده شود، سپس بینی اش بر زه بین

---

(1) صحیح الجامع: (2527).

کشیده شود) گفته شد: چه کسی ای  
رسول الله؟ فرمود: «من أدرك والديه  
عند الكبر، أحدهما أو كلاهما ثم لم  
يدخل الجنة» (کسی که پدر و مادر او  
در پیری، یکی از آنها یا هر وی آنها  
نزد وی باشند و او داخل بهشت  
نشود) [مسلم]<sup>(۱)</sup>.

---

(1) صحیح مسلم: (4/1978) (ح 2551).

ابن أثير گفته است: «رغم أنفه»  
الرغام: خاک است و «رغم أنفه» به  
معنای آن است که [بینی اش] به خاک  
کشیده شود<sup>(۱)</sup>.

ابودرداء رضی الله عنه گفته است که رسول  
الله صلی الله علیه و آله فرمود: «الوالد أوسط أبواب  
الجنة، فإن شئت فأضع ذلك الباب أو

---

(1) جامع الأصول: (1/400).

احفظه» ([درب] پدر وسط‌ترین درب  
بهشت است، اگر خواستی آن درب را  
ضایع کن و یا از آن محافظت کن!)  
[ترمذی<sup>(۱)</sup> و گفته است: حدیث  
صحیح است، ابن ماجه<sup>(۲)</sup>، أحمد<sup>(۳)</sup>،

---

(1) جامع الترمذی: (275/4) (ح 1900).

(2) سن ابن ماجه: (1208/2) (ح 3663).

(3) مسند أحمد: (198/5).

ابن حبان آن را صحیح دانسته  
است<sup>(۱)</sup>، آلبانی<sup>(۲)</sup>، حاکم و أقره  
الذهبی<sup>(۳)</sup>].

\* طلب آمرزش فرزند برای

پدر و مادر:

---

(1) موارد الظمان: (ص 496) (ح 2023).

(2) صحیح سنن الترمذی: (2/175).

(3) المستدرک: (4/152).

ابوهریره رضی الله عنه گفته است که رسول  
الله صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ الرَّجُلَ لَتَرْفَعُ دَرَجَتَهُ  
فِي الْجَنَّةِ، فَيَقُولُ: أَنَىٰ هَذَا؟ فَيَقَالُ:  
بِاسْتِغْفَارٍ وَلَدَكَ لَكَ» (مردی است که  
درجه‌ی او در بهشت بالا می‌رود،  
می‌گوید: این از کجا آمده است؟ گفته  
می‌شود: با طلب آمرزش فرزندت

برای تو، [بدست آمده است] [أحمد<sup>(۱)</sup>، ابن ماجه<sup>(۲)</sup>، بوصیری گفته است: اسناد آن صحیح است و رجال آن ثقه می‌باشند<sup>(۳)</sup> آلبانی گفته است: صحیح است<sup>(۴)</sup>].

---

(1) مسند أحمد: (509/2).

(2) سنن ابن ماجه: (1207/2) (ح 3660).

(3) مصباح الزجاجة: (98/4).

(4) صحیح الجامع: (ح 1716).

## \* عیادت مریض:

ثوبان رضی الله عنه گفته است که رسول

الله صلی الله علیه و آله فرمود: «عائد المریض فی

مخرفة الجنة» (عیادت کننده‌ی مریض

در حال چیدن از باغ بهشت است).

در روایتی دیگر آمده است:

«من عاد مریضاً لم یزل فی خرفة

الجنة حتی یرجع» (کسی که مریضی

را عیادت می‌کند، دائماً در حال چیدن

میوه در باغ بهشت است تا زمانی که  
برگردد).

در روایتی آمده است: «لم یزل  
فی خرفة الجنة» (دائماً در حال چیدن  
از باغ بهشت است، گفته شد: ای  
رسول الله! باغ بهشت چیست؟ فرمود:  
«جناها» (محل میوه چیدن آن)

[مسلم<sup>(۱)</sup>].

ابن اثیر در جامع الأصول گفته  
است: معنای آن این است که عیدادت  
کننده‌ی مریض در راهی قرار دارد که  
او را به سوی بهشت سوق می‌دهد؛  
آن که عیدادت کننده‌ی مریض در  
بستانهای بهشت و میوه‌های آن قرار

---

(1) صحیح مسلم: (4/1989) (ح 2568).

دارد<sup>(۱)</sup>.

علی بن ابی طالب رضی الله عنه گفته است  
که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «ما من مسلم  
يعود مسلماً مريضاً غدوةً إلا صلى  
عليه سبعون ألف ملك حتى يمسي،  
وإن عادته عشيةً صلى عليه سبعون  
ألف ملك حتى يصبح، وكان له

---

(1) جامع الأصول: (533/9).

خریف فی الجنۃ» (مسلمانی نیست که  
صبح به عیادت مریضی رود، مگر آن  
که هفتاد هزار فرشته برای او صلوات  
می فرستند تا آن که شب کند و اگر در  
شب از او عیادت کند، هفتاد هزار  
فرشته بر او صلوات می فرستند تا  
زمانی که صبح کند و برای او میوه

چید مدنی در بهشت خواهد بود)  
[ترمذی<sup>(۱)</sup> و گفته است: حدیث حسن  
غریب است، ابن ماجه<sup>(۲)</sup>. أبو داود<sup>(۳)</sup>  
به مانند آن و در آن آمده است:  
«یستغفرون له» (برای او طب آمرزش

---

- (1) جامع الترمذی: (300/3) (ح 969).
- (2) سنن ابن ماجه: (463/1) (ح 1442).
- (3) سنن أبی داود: (375/3) (ح 3098، 3099، 3100).

می‌کنند) ابوداود گفته است: سند آن از  
علی رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله با این وجه صحیح  
است. آلبانی گفته است: صحیح  
است <sup>(۱)</sup> و ابن حبان آن را صحیح  
دانسته است <sup>(۲)</sup>.

ابن اثیر گفته است: «الخریف»:

- 
- (1) صحیح جامع الترمذی: (1/286).  
(2) موارد الظمان: (ص 182) (ح 710).

میوه‌ای است که چیده می‌شود، به این  
معنا که چیده می‌شود و فعلیل به معنای  
مفعول است<sup>(۱)</sup>.

ابوهریره رضی الله عنه گفته است که رسول  
الله صلی الله علیه و آله فرمود: «من عاد مریضاً أو زار  
أخاه فی الله ناداه مناد أن طبت طاب  
ممشاک، وتبوات من الجنة منزلاً»

---

(1) جامع الأصول: (532/9).

(کسی که برای [کسب رضایتمندی] الله  
[تعالی] مریضی را عیادت کند یا به  
دیدار برادری رود، ندا دهنده‌ای ندا  
می‌دهد که پاک باشی محل راه رفتنت  
پاک شد و در بهشت منزلی برگزیدی)  
[ابن ماجه<sup>(۱)</sup>، ترمذی<sup>(۱)</sup> و لفظ برای

---

(1) سنن ابن ماجه: (464/1) (ح 1443)

ولیس فیه: «أَوْ زَارَ أَخًا لَهُ فِي اللَّهِ».

اوست و گفته است: حدیثی حسن  
غریب است. همچنان آلبانی آن را  
حسن دانسته است<sup>(۲)</sup> و ابن حبان آن  
را صحیح دانسته است<sup>(۳)</sup>.

\* دیدار برادران به نیت کسب

=

- 
- (1) جامع الترمذی: (4/320) (ح 2008).
  - (2) صحیح سنن الترمذی: (2/195).
  - (3) موارد الظمان: (ص 183) (ح 712).

رضایتمندی الله تعالی:

حدیث ابوهریره رضی الله عنه که در قبل

آمد، دلیلی بر آن می باشد.

انس رضی الله عنه گفته است که پی امبر صلی الله علیه و آله

فرمود: «ألا أخبركم برجالكم فی

الجنة؟» (آیا شما را از مردانی از شما که

در بهشت هستند، باخبر کنم؟) گفتند: بله،

ای رسول الله! فرمود: «النبی فی الجنة،

والصديق فی الجنة، والرجل یزور أخاه

فی ناحیة المصر لا یزروه إلا الله فی  
الجنة» (پیدامبر در بهشت است و  
صدیق (بسیار راستگو) در بهشت است و  
مردی که به دیدار برادرش در گوشه‌ای  
از شهر می‌رود و به دیدار او نمی‌رود  
مگر برای الله، در بهشت است). [طبرانی  
در المعجم الصغیر<sup>(۱)</sup>، دمیاطی گفته

---

(1) المعجم الصغیر: (1/46).

است: إن شاء الله اسناد آن جيد است<sup>(۱)</sup>، طبرانی در الکبیر<sup>(۲)</sup> با لفظی نزدیک به حدیث کعب بن عجره. آلبانی آن را حسن دانسته است<sup>(۳)</sup>.

انس رضی الله عنه گفته است که پیامبر صلی الله علیه و آله

---

(1) المتجر الرابع: (ص 534).

(2) المعجم الكبير: (140/19).

(3) صحيح الجامع: (ح 2604).

فرمود: «ما من عبد أتى أخاه يزوره  
في الله إلا ناداه مناد من السماء: أن  
طبت وطابت لك الجنة، وإلا قال الله  
في ملكوت عرشه: عبدى زار فى  
وعلى قراه، فلم يرض له بثواب دون  
الجنة» (بنده‌ای نیست که برای الله به  
دیدار برادرش رود، مگر آن که  
منادایی از آسمان ندا می‌دهد: پاک  
شدی و بهشت بر تو گوارا باد و غیر

از این نیست که الله [تعالی] از ملکوت  
عرشش می‌فرماید: بنده‌ام به خاطر من  
به دیدار [برادرش] رفت، [در نتیجه]  
مهمان کردن او بر من است و برای او  
به ثوابی کمتر از بهشت راضی نمی‌شود  
[بزار<sup>(۱)</sup>، أبو یعلی<sup>(۱)</sup> و منذری<sup>(۲)</sup>]

---

(1) کشف الأستار عن زوائد البزار:  
(388/2) (ح 1918).

دمیاطی<sup>(۳)</sup> گفته‌اند: اسناد آن جید است.  
است.]

«القری»: با کسره ی قاف چیزی

است که از خوردنی و نوشیدنی برای

=

---

(1) مسند أبی یعلی: (7/166) (ح 4140).

(2) الترغیب والترهیب: (3/239).

(3) المتجر الرابع: (ص 534).

مهمان مهیا می‌شود<sup>(۱)</sup>.

\* صبر نمودن بر از دست دادن

عزیز زان مانند فرزندان و دیگر  
نزدیکان:

ابوهریره رضی الله عنه گفته است که

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «يقول الله تعالى: ما

---

(1) مجمع بحار الأنوار، مادة «قري»

(266/4).

لعبدی المؤمن عندی جزاء إذا قبضت  
صفیه من أهل الدنيا، ثم احتسبه إلا  
الجنة» (الله تعالیٰ می فرماید: برای  
بنده‌ی مؤمن من که جان یکی از  
نزدیکان او را در دنیا بگیرم و [در  
صبر نمودن بر آن] از من پاداش  
بخواهد، پاداشی نخواهد بود، مگر

بهشت) [بخاری<sup>(۱)</sup>].

حافظ ابن حجر گفته است:

«صفیه» به معنای عزیز است که

انسان او را برگزیده است، مانند:

فرزند، برادر و هر کسی که انسان او

را دوست می‌دارد. منظور از:

---

(1) صحیح البخاری: (241/11)

(ح 6424).

«القبض»: قبض روح است و همان  
مرگ می‌باشد. گفته است: منظور از  
«احتسبه»: صبر بر از دست دادن او به  
امید اجر بردن از الله [تعالی] می-  
باشد<sup>(۱)</sup>.

ابن حجر گفته است: ابن بطال به  
آن استدلال کرده است که کسی که

---

(1) فتح الباری: (242/11).

یک فرزند او بمیرد، مردن سه فرزند و دو فرزند نیز شامل حال او می‌شود<sup>(۱)</sup>.  
انس بن مالک رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «ما من الناس مسلم يموت له ثلاثة من الولد لم يبلغوا الحنث، إلا أدخله الله الجنة بفضل رحمته إياهم» (انسان مسلمانى

---

(1) المصدر السابق: (11/243).

نیست که سه فرزند او قبل از سن  
تکلیف بمیرند، مگر آن که الله [تعالی]  
او را به فضیلت رحمتش بر آنها،  
داخل بهشت می‌کند [بخاری<sup>(۱)</sup> و  
نسائی<sup>(۲)</sup>].

- 
- (1) صحیح البخاری: (118/3 - ح 1248)  
و (244/3 - ح 1381).  
(2) سنن النسائی: (24/4).

در روایت نسائی آمده است:  
«من احتسب ثلاثة من صلبه دخل  
الجنة» (کسی که سه نفر از نسل او  
[بمیرند] و او برای طلب پاداش [بر آن  
صبر نماید] داخل بهشت می شود) زنی  
ایستاد و گفت: دو نفر چطور؟ فرمود:  
«أو اثنان» (یا دو نفر)، آن زن گفت:  
ای کاش گفته بودم یک نفر [چطور؟].  
ابوهریره رضی الله عنه گفته است که رسول

الله ﷺ به زنان انصار رضی الله عنهم فرمود: «لا يموت لإحداكن ثلاثة من الولد فتحسبه إلا دخلت الجنة» (کسی از شما نیست که سه فرزند او بمیرند و او به نیت کسب پاداش [صبر نملید، اتفاقی نمی‌افتد] مگر آن که آن زن داخل بهشت می‌شود)، یکی از آن زنان گفت: دو نفر چطور ای رسول الله؟! فرمود: «أو اثنين» (یا دو نفر)

[مسلم<sup>(۱)</sup>].

\* سختی کشیدن و صبر نمودن

برای خودداری از گناه:

ابوامامه رضی الله عنه گفته است که ه

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «يقول الله سبحانه:

ابن آدم، إن صبرت واحتسبت عند

الصدمة الأولى لم أرض لك ثواباً

---

(1) صحیح مسلم: (4/2028) (2632).

دون الجنة» (الله سبحانه و می فرماید: ای فرزند آدم! اگر در هنگام شدت گرفتن [میل به گناه یا مصیبت] صبر نمایی و طلب پاداش نمایی، برای تو به ثوابی پایین تر از بهشت راضی نمی شوم) [ابن ماجه<sup>(۱)</sup>، بوصیری گفته

---

(1) سنن ابن ماجه: (509/1). (ح 1597).

است<sup>(۱)</sup>: اسناد آن صحیح است و  
رجالش ثقه می‌باشند و آلبانی گفته  
است: اسناد آن حسن است<sup>(۲)</sup>.

\* صبر بر از دست دادن

چشمها:

انس رضی الله عنه گفته است که پی‌امبر صلی الله علیه و آله

---

(1) مصباح الزجاجة: (49/2).

(2) صحیح سنن ابن ماجه: (266/1).

فرمود: «يقول الله عز وجل: إذا ابتليت  
عبدی بحبیبتیه فصبر عوضته منهما  
الجنة» (الله عَزَّوَجَلَّ می فرماید: اگر بنده‌ام را  
با گرفتن دو محبوبش امتحان کنم و او  
صبر نماید در عوض آن دو، بهشت را  
به او می‌دهم) منظور از دو محبوب،  
دو چشم است [بخاری<sup>(۱)</sup>].

---

(1) صحیح البخاری: (116/10)

=

\* صبر بر مریضی:

عطاء گفته است که ابن عباس  
رضی الله عنهما به من گفت: آیا زنی  
از اهل بهشت را به تو نشان ندهم؟  
گفتم: بله، [نشان بده!] گفت: این زن  
سه پناه پوست نزد پیامبر ﷺ رفت و  
گفت: من صرع دارم و [در هنگام  
=

---

(ح 5653).

صرع] لباسهایم کنار می‌رود [و مردها  
مرا می‌بینند] برای من نزد الله [تعالی]  
دعا کن! فرمود: «إِنْ شِئْتَ صَبْرَتِ  
وَلَكِ الْجَنَّةُ، وَإِنْ شِئْتَ دَعَوْتَ اللَّهَ أَنْ  
يَعَافِيكَ» (اگر می‌خواهی صبر کن و  
برای تو در آن صورت بهشت خواهد  
بود و اگر می‌خواهی برای تو نزد الله  
[تعالی] دعا کنم تا تو را شفا دهد)  
گفت: صبر می‌کنم. بعد از آن گفت:

لباسهایم کنار می‌رود، پس نزد الله  
[تعالی] دعا کن که من برهنه نشوم. در  
نتیجه برای او دعا نمود. [متفق  
علیه<sup>(۱)</sup>].

\* اطاعت زن از شوهرش:

- 
- (1) صحیح البخاری: (114/10)  
(ح 5652)، و صحیح مسلم: (4/1994)  
(ح 2576).

ابوهریره رضی الله عنه گفته است که رسول  
الله صلی الله علیه و آله فرمود: «إِذَا صَلَّتِ الْمَرْأَةُ  
خَمْسَهَا، وَصَامَتْ شَهْرَهَا، وَحَصَّنَتْ  
فَرْجَهَا، وَأَطَاعَتْ بَعْلَهَا، دَخَلَتْ الْجَنَّةَ  
مِنْ أَى أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شَاءَتْ» (اگر زنی  
نمازهای پنجگانه را بخواند و ماه  
[رمضان] —ش را روزه بگید رد و از  
شوهرش اطاعت کند، از هر دریی از  
دربهای بهشت که خواست، داخل

بهشت می‌شود) [ابن حبان در  
صحیحش<sup>(۱)</sup>، آلبانی آن را صحیح  
دانسته است<sup>(۲)</sup> حدیث شاهی از عبد  
الرحمن بن عوف رضی الله عنه نزد أحمد دارد<sup>(۳)</sup>  
و همچنین شاهی از انس رضی الله عنه نزد

---

(1) موارد الظمان: (ص 315) (ح 1296).

(2) صحیح الجامع: (ح 660).

(3) مسند أحمد: (1/191).

بزار<sup>(۱)</sup>].

\* درخواست نمودن

کوچکترین چیزی از مردم:

ثوبان رضی الله عنه گفته است که رسول

الله صلی الله علیه و آله فرمود: «من تكفل لي أن لا

يسأل الناس شيئاً وأتكفل له بالجنة»

---

(1) مختصر زوائد البزار لابن حجر:

(587/1) (ح 1044).

(کسی که برای من تضمین کند که از مردم چیزی نخواهد، من برای او بهشت را تضمین می‌کنم) ثوبان رضی الله عنه گفت: من این گونه هستم که از کسی چیزی را درخواست ننموده‌ام. [أبوداود<sup>(۱)</sup> و لفظ برای اوست،

---

(1) سنن أبی داود: (295/2) (ح 1643).

نسائی<sup>(۱)</sup>، ابن ماجه<sup>(۲)</sup>، أحمد<sup>(۳)</sup>، سند  
آن را نووی صحیح دانسته است<sup>(۴)</sup> و  
همچنین منذری<sup>(۵)</sup> و آلبنانی گفته

---

(1) سنن النسائی: (96/5).

(2) سنن ابن ماجه: (588/1) (ح 1837).

(3) مسند أحمد: (281/5).

(4) ریاض الصالحین: (ح 539).

(5) الترغیب والترهیب: (8/2).

است<sup>(۱)</sup>: صحیح می باشد].

در روایت ابن ماجه و أحمد  
آمده است: به این شکل بود که  
ثوبان رضی الله عنه شلاقش می افتاد در حالی که  
او سواره بود، و به کسی نمی گفت که  
آن را به من بده، بلکه شترش [را می -  
نشانده و] از آن پیاده می شد، [شلاق]

---

(1) صحیح الترغیب والترهیب: (ح 807).

را بر می داشت [و دوباره سوار می شد] -  
شد].

\* کسی که برای کسب ثواب  
اذان بگوید و کسی که دوازده سال  
اذان بگوید:

ابوموسی اشعری رضی الله عنه گفته است  
که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ  
الْأَيَّامَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى هَيْئَتِهَا، وَيَبْعَثُ  
يَوْمَ الْجُمُعَةِ زَهْرَاءَ مَنِيرَةً، يَحْفُونَ أَهْلَهَا

بها كالعروس تهدي إلى كريمها،  
تضيء لهم يمشون في ضوئها، ألوانهم  
كالثلج بياضاً، وريحهم يسطع  
كالمسك، يخوضون في جبال  
الكافور، ينظر إليهم الثقلان، ما  
يطرقون تعجباً، حتى يدخلون الجنة، لا  
يخالطهم أحد إلا المؤذنون  
المحتسبون» (الله [متعالي] در روز  
قيامت، روزها را بر اساس هيئت آنها

مبعوث می‌کند و روز جمعه را  
درخشان و نورانی مبعوث می‌نماید،  
اهل آن به شکلی گرداگرد آنها گرفته  
می‌شود که به مانند دامادی هستند که  
به سوی عزیز خود برده می‌شود، برای  
آنها روشن می‌شود و در روشنایی آن  
راه می‌روند، رنگهای آنها به مانند یخ  
سفید است و بوی آنها به مانند مُشک  
انتشار می‌یابد در کوه‌هایی از کافور

فرو می‌روند و دو گروه [انسان و جن] به آنها نگاه می‌کنند و از روی تعجب باز نمی‌ایستند، تا آن که داخل بهشت می‌شوند، کسی بین آنها نمی‌باشد، مگر مؤذنانی که در طلب پاداش [اذان گفته‌اند] [ابن خزیمه در صحیح<sup>(۱)</sup> و

---

(1) صحیح ابن خزیمه: (117/3).  
(ح 1730).

آلبانی آن را صحیح دانسته است<sup>(۱)</sup>.  
ابن عمر رضی الله عنهما گفته  
است که پیغمبر ﷺ فرمود: «من أذن  
ثنتی عشرة سنة وجبت له الجنة،  
وكتب له بتأذینه فی کل یوم ستون  
حسنة، وبكل إقامة ثلاثون حسنة»  
(کسی که دوازده سال اذان بگوید،

---

(1) صحیح الجامع: (ح 1872).

بهشت بر او واجب می‌شود و برای هر روز اذان گفتن شست‌وسه برای او نوشته می‌شود و برای هر اقامه سی‌وسه (حسنه) [ابن ماجه<sup>(۱)</sup> و حاکم<sup>(۲)</sup>، و بیهقی<sup>(۳)</sup> و حاکم گفته است: صحیح به

---

(1) سنن ابن ماجه: (243/1) (ح728).

(2) مستدرک الحاکم: (205/1).

(3) سنن البیهقی: (433/1).

شرط بخاری است و وافقه ذهبی و  
منذری<sup>(۱)</sup> و آلبنی گفته است: صحیح  
می باشد<sup>(۲)</sup>.

\* کسی که مظلومانه برای  
مالش کشته شود:

عبد الله بن عمرو رضی الله عنهما

---

(1) الترغیب والترهیب: (111/1).

(2) صحیح الجامع: (ح 6002).

گفته است که رسول الله ﷺ فرمود:  
«من قتل دون ماله مظلوماً فله الجنة»  
(کسی که مظلومانه برای مالش کشته  
شود، بهشت برای اوست) [نسائی<sup>(۱)</sup> و  
آلبانی گفته است: صحیح می باشد]<sup>(۲)</sup>.

---

(1) سنن النسائی: (115/7) (ح 4087).

(2) صحیح الجامع: (ح 6446).

اصل حدیث در صحیحین<sup>(۱)</sup> و  
دیگر کتابها با این لفظ آمده است:  
«من قتل دون ماله فهو شهید» (کسی  
که برای مالش کشته شود، او شهید  
است).

\* زنی که در نفاسش بمیرد:

---

(1) صحیح البخاری: (123/5) (ح 2480)،  
و صحیح مسلم: (124/1) (ح 141).

راشد بن حبیش رضی الله عنه گفته است  
که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لقتل فی سبیل  
الله عز وجل شهادة، والطاعون شهادة،  
والغرق شهادة، والبطن شهادة،  
والنفساء یجرها ولدها بسرره إلى  
الجنة» (کشته شدن در راه الله عز وجل  
شهادت است و [با] طاعون [مردن]  
شهادت است و از شکم درد [مردن]  
شهادت است و زنی که در نفاسش

[بمیرد] فرزندش او را با نafش به  
بهشت می‌رساند).

أبو العوام به آن افزوده است:  
«والحرق والسیل» (و آتش گرفتن و  
در سیل مردن)<sup>۱</sup> [أحمد<sup>(۱)</sup>، منذری

---

<sup>۱</sup> - این شامل تمامی مرگهای بد می‌باشد و  
این وقتی است که هنگامی که سختی آن  
مرگ به سراغ شخص می‌آید او صبر نموده و  
محبت الله تعالی از قلبش بیرون نرود و  
=

گفته است: اسناد آن حسن است<sup>(۲)</sup> و  
آلبانی گفته است: حسن می باشد<sup>(۳)</sup>.  
ابن اثیر گفته است: «السرة» آن

=

---

نگوید: الله تعالى به من ظلم کرده  
است. (مترجم)

(1) المسند: (489/3).

(2) الترغيب والترهيب: (201/2).

(3) صحيح الجامع: (ح 4439).

قسمتی [از ناف است] که بعد از آن که  
ماما آن را قطع نمود، باقی بماند.  
«السرر» [نافی است] که قطع شده  
است<sup>(۱)</sup>.

\* مرگ شخصی در جایی به

غیر از محل تولدش:

عبد الله بن عمرو رضی الله عنهما

---

(1) النهایة، مادة «سرر» (359/2).

گفته است: مردی در مدینه وفات یافت و پیامبر ﷺ بر او نماز [جنازه] خواند و فرمود: «یا لیته مات فی غیر مولده» (ای کاش در جایی غیر از محل تولدش وفات می‌یافت) مردی از مردم گفت: برای چه ای رسول الله؟! فرمود: «إن الرجل إذا مات بغير مولده قیس له من مولده إلی منقطع أثره فی الجنة» (اگر مردی در جایی

غیر از محل تولدش بمی‌رد از محل  
تولدش تا جایی که جان داده است را  
[ملائک] در بهشت اندازه می‌زنند  
[أحمد<sup>(۱)</sup>، نسائی<sup>(۲)</sup> و ابن ماجه<sup>(۳)</sup> و  
ابن حبان آن را صحیح دانسته است<sup>(۴)</sup>

---

(1) المسند: (177/2).

(2) سنن النسائی: (7/4، 8).

(3) سنن ابن ماجه: (515/1) (ح 1614).

(4) الإحسان: (257/4) (ح 2932).

و آلبانی گفته است: حسن است<sup>(۱)</sup>.  
سندی گفته است: «إلی منقطع  
أثره» به معنای جایی است که اجل او  
فرا رسیده باشد و منظور از «الأثر»  
اجل است؛ زیرا آن پایان عمر است و  
احتمال می‌رود که انتهای سفرش باشد  
و راه رفتنش در بهشت به اندازه‌ی این

---

(1) صحیح الجامع: (ح 1616).

فاصله تعیین می‌شود. ظاهر آن این گونه است که در بهشت به این اندازه به او عطا می‌شود که از برای مردنش در غربت است<sup>(۱)</sup>.

ابن حبان این حدیث را این گونه شرح داده است: یاد شده است که الله [تعالی] به کسی که در غربت

---

(1) حاشیة السندی علی النسائی: (8/4).

وفات یافته است به اندازه‌ی محل تولدش تا محل جدا شدنش از دنیا (منقطع امره)<sup>(۱)</sup>، در بهشت عطا می‌نماید.

از سخن ابن حبان این فهمیده می‌شود که در بهشت به مساحت

---

(1) ترجم ابن حبان هذه اللفظة بدل: «أثره»  
لأن لفظ الحديث عنده: «منقطع أمره».

فاصله‌ی بی‌بین محل تولد تا محل وفاتش عطا می‌شود.

\* کسی که سه صف از

مسلمانان برای او نماز جنازه بخوانند:

مالک بن هبیره رضی الله عنه گفته است که

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «ما من مسلم

یموت فیصلى علیه ثلاثة صفوف من

المسلمین إلا أوجب» (مسلمانی نیست

که بمیرد و مسلمانان در سه صف بر

او نماز [جنازه] بخوانند، مگر آن که  
[بهشت بر او] واجب می‌شود).

گفته است مالک رضی الله عنه وقتی تعداد  
نمازگزاران بر جنازه کم بود آنها را به  
خاطر این حدیث در سه صف قرار  
می‌داد. [أبوداود<sup>(۱)</sup> و لفظ برای اوست،

---

(1) سنن أبی داود: (514/3) (ح 3166).

ترمذی<sup>(۱)</sup>، ابن ماجه<sup>(۲)</sup> و أحمد<sup>(۳)</sup> و  
لفظ او این است: «إِلا غفر له» (مگر  
آن که آمرزیده می شود)، حاکم<sup>(۴)</sup> و  
گفته است: به شرط مسلم صحیح  
است، و وافقه ذهبی، و ترمذی و

---

(1) جامع الترمذی: (347/3) (ح 1028).

(2) سنن ابن ماجه: (478/1) (ح 1490).

(3) المسند: (79/4).

(4) المستدرک: (363-362/1).

نـووی آن را حسن

دانسته‌اند<sup>(۱)</sup>.



---

(1) المجموع: (5/165).